



سه مقاله

- با آغاز رکورد اقتصادی ۷۶ چشم‌انداز فردا چگونه است؟
- بازشناسی مؤلفه‌های مؤثر بر اختلاس در ایران
- اختلاس و فساد اداری، آفت توسعه



بحث روز



مداخل

اقتصاد ایران در چه شرایطی قرار دارد؟ چشم‌انداز فردا چگونه است؟ چالش‌ها کدام است و فرصت‌ها کدام؟ در نخستین مقاله از بخش «بحث روز» این شماره، تصویری واقعی از اقتصاد ایران نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود اقتصاد ایران از ابتدای سال ۱۳۷۶ در شرایط رکود قرار گرفته و چنانچه نسبت به برون رفت از این رکود، چاره‌ای اندیشیده نشود می‌تواند زمینه‌ساز بحران اقتصادی گردد.

در مقاله دوم رابطه مؤلفه‌های اقتصادی بر فساد اداری به کمک مدل‌ها و توابع رفتاری مورد ارزیابی واقع شده و مثلاً نشان داده شده که هر یک درصد افزایش در بودجه کل کشور (به قیمت ثابت) به میزان ۰/۸۴ درصد بر پرونده‌های اختلاس و فساد اداری تأثیر می‌گذارد. در مقاله سوم نیز به موضوع نقش ضد توسعه فساد پرداخته شده است. در این مقاله به کارگرفته این سندرم، در ساز و کار اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشورها پرداخته شده و ضمن مروری بر رویدادهای مربوط در کشورهای مختلف، در پایان رهیافت‌هایی ارائه گردیده است.

■ با آغاز رکود اقتصادی ۷۶ چشم انداز فردا چگونه است؟

دفتر بررسی های اقتصادی

۱- مقدمه

در این گزارش تلاش بر آن است که وضعیت اقتصادی سال ۱۳۷۶ و چشم انداز آینده آن مورد بررسی قرار گیرد و مشخص شود که آیا می توان شرایط فعلی حاکم بر اقتصاد ایران را منطبق با پدیده رکود اقتصادی قلمداد نمود؟ اگر جواب مثبت است، عوامل موجد این وضعیت کدامند؟ و در صورتی که جواب منفی است، سیمای فعلی اقتصاد ایران را چگونه می توان ترسیم نمود؟

اهمیت بررسی چنین موضوعی این

است که اگر مشخص شود اقتصاد در شرایط رکودی قرار گرفته است، می باید سریعاً سیاست های اقتصادی مناسب برای مقابله با آن اتخاذ گردد، در غیر این صورت رکود عمیق شده و قطعاً مبارزه با آن دشوارتر خواهد بود. به هر حال برای دستیابی به هدف اشاره شده باید تصویری از رکود همراه با شاخص ها و معیارهای مربوط به آن ارائه گردد، سپس شرایط فعلی با آن معیارها سنجیده شود تا بتوان وضعیت اقتصادی موجود را تحلیل کرد.

قبل از پرداختن به مسئله اصلی گزارش

بحث روز

که در انتهای آن فروش به همراه سود تجار و تولیدکنندگان به اوج خود می‌رسد و دیگر رشد نمی‌یابد ضمن این‌که GDP واقعی ممکن است موقتاً در حدی فراتر از اشتغال کامل قرار گرفته و بیکاری به حداقل خود برسد (حد فاصل نقاط E و F در نمودار ۱). رکود^۲: مرحله‌ای در سیر کسب و کار است که موجودی انبار به طور مستمر کاهش یافته و سود فعالیت‌های تولیدی و تجارت سریع‌تر از تولید پایین می‌آید. علاوه بر آن رشد GDP واقعی سیر نزولی و بیکاری سیر صعودی طی می‌نماید. در این مرحله سرمایه‌گذاری‌های ثابت به همراه تولید و فروش محدود می‌شوند و روند نزولی پیدا می‌کنند. به همین لحاظ این مرحله را مرحلهٔ تنزل نیز می‌نامند (حد فاصل نقاط B و C در نمودار ۱).

بحران^۳: در این مرحله از سیر کسب و کار GDP واقعی و میزان فروش و کسب و کار در پایین‌ترین سطح و بیکاری در بالاترین حد زمان خود قرار می‌گیرد. همچنین سود تجارت و سرمایه در کمترین سطح ممکن به دست می‌آید (حد فاصل نقاط C و D در نمودار ۱).

۱. تولید ناخالص داخلی (Gross Domestic Product-GDP) عبارت است از ارزش پولی کلیه کالاهای و خدمات نهایی تولید شده در داخل مرزهای سیاسی کشور طی یک سال مالی.

2. Recovery.
3. Boom- prosperity.
4. Recession.
5. Depression.

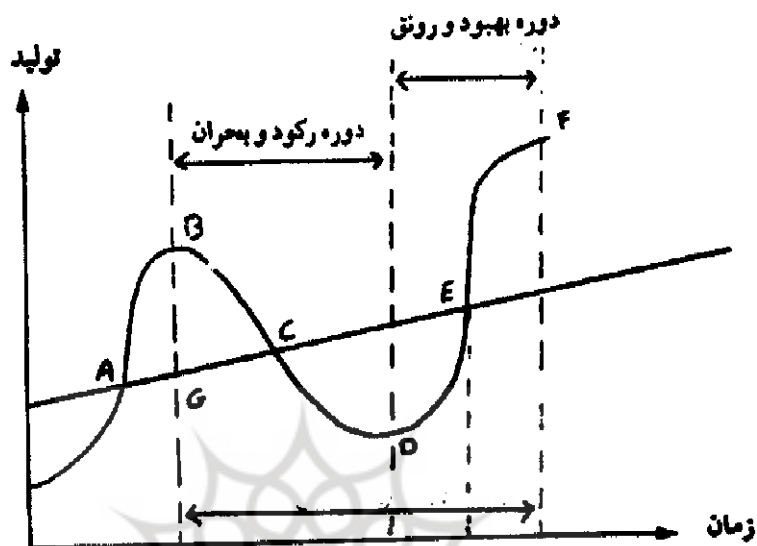
لازم است ابتدا جایگاه رکود در نوسان‌های اقتصادی تبیین شود، پس از آن مفهوم رکود و واژه‌های مترادف با آن براساس ادبیات اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. مناسب‌ترین شیوهٔ شناخت رکود اقتصادی استفاده از مفهوم تولید ناخالص داخلی^۱ واقعی (GDP_p) و ادوار تجاری همراه با مراحل تشکیل‌دهندهٔ آن می‌باشد، که در بخش بعد به آنها پرداخته می‌شود.

۲- ادبیات موضوع

تولید ناخالص داخلی واقعی (GDP_p) یکی از مهم‌ترین شاخص‌های فعالیت اقتصادی یک کشور محسوب می‌گردد، این متغیر غالباً از سیری هموار برخوردار نمی‌باشد، بدین معنا که زمانی از حدود طبیعی خود سریع‌تر و زمانی کندتر رشد می‌کند. سیر حرکت GDP واقعی معمولاً با چهار مرحله مشخص می‌شود، این عبارت بدان معناست که چهار مرحلهٔ یک دور تجاری را با نوسانات GDP واقعی اندازه‌گیری می‌کنند. مراحل‌هایی که حاکی از اوضاع و احوال اقتصادی و کسب و کار می‌باشند عبارتند از: بهبود^۴: در این مرحله از سیر کسب و کار، سود تجار و تولیدکنندگان سریع‌تر از قیمت‌ها افزایش می‌یابد و GDP واقعی به حدود بالقوه خود (اشتغال کامل) نزدیک می‌شود (حد فاصل نقاط D و E در نمودار ۱).

رونق^۵: مرحله‌ای در سیر کسب و کار است

نمودار شماره ۱- مراحل یک دور تجاری



دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ انجام شده است. تئوری‌ها بر حسب تأکیداتشان بر عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر دوره‌ها، از یکدیگر متمایز می‌شوند. مهم‌ترین عوامل داخلی نوسانات اقتصادی عبارتند از: رشد جمعیت، اکتشاف طلا، رویدادهای سیاسی و شوک‌های نفت. بیشتر تئوری‌ها بر واکنش داخلی به دلیل شوک‌های خارجی تأکید دارند.

«فریدمن» اقتصاددان امریکایی در بررسی تاریخ پولی امریکا نشان می‌دهد که رابطه متقابلی میان عرضه پول و فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد و اثبات می‌کند که نوسانات تجاری ریشه در سیاست‌های پولی دارند. اخیراً بیشتر اقتصاددانان توجه خود را به تأثیر تغییرات ایجاد شده در

در یک دور تجاری کامل این مراحل چهارگانه با تناوب زمانی و طول دوره متفاوت و به طور نامنظم و کمتر مشابه رخ می‌دهند. این دوره‌های تجاری دارای یک نقطه اوج و یک نقطه حضيض است، به عبارت دیگر در پی هر رونق یک رکود نیز در اقتصاد ایجاد می‌شود.

نوسان تجاری، پدیده‌ای است که به دقت مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است و تحقیقات زیادی در این مقوله انجام شده است. از سوی اقتصاددانان دلایل متعددی در مورد ایجاد این دوره‌ها ارائه شده است.

معروف‌ترین تحقیقات در این زمینه توسط اقتصاددانانی مانند ساموئلسون، هیکس، فیلیپس، کالسکی و کندراتیف در

مجموعه

به طور کلی بانکها در این شرایط باید بخشی از هزینه‌هایی را که تغییر قیمت‌ها اثر نامطلوبی روی آن گذاشته و به اشخاص و سازمان‌ها آسیب می‌رساند متحمل شوند. این اشخاص و سازمان‌ها قادر به استمرار بازپرداخت بدهی‌های‌شان بر مبنای شرایط از قبل توافق شده نیستند.

۱-۲- بررسی ادولر تجاری در ایران

با توجه به آمار مربوط به GDP واقعی طی ۲۵ سال گذشته (جدول شماره ۲-۳) ملاحظه می‌گردد، در این دوره اقتصاد ایران از دو مرحله دور تجاری گذر نموده و سومین دور تجاری نیز به نوعی در حال شکل‌گیری یا تکمیل مراحل خود می‌باشد (نمودار ۲).

یکی از شدیدترین نوسانات اقتصادی و بازرگانی کشور به دور تجاری دهه ۵۰ برمی‌گردد. در سال ۱۳۵۵، GDP واقعی حدود ۲۲ درصد رشد نمود. لیکن از سال ۱۳۵۶ دوران رکود شروع شد که انعکاس آن را در تحلیل‌های اقتصادی و اهداف کمی برنامه ششم عمرانی رژیم گذشته نیز می‌توان ملاحظه کرد. رکود مذکور بر اثر وقوع انقلاب اسلامی، محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی تشدید گردید و به بحران عمیق اقتصادی در سال ۱۳۵۹ منتهی شد به طوری که در اواخر سال ۱۳۵۹ نرخ بیکاری حدود ۳۰ درصد نیروی کار برآورد گردید.

دور تجاری دیگری نیز از اوایل دهه ۶۰

تکنولوژی و انتقال در تقاضا که باعث ایجاد رفتار سیکلی می‌شوند معطوف داشته‌اند.

کساد یا رکود یا افت رشد اقتصادی واژه‌ای است که در مورد کاهش شدید و یک‌باره نرخ رشد اقتصادی، یا افت ملایم در فعالیت‌های اقتصادی به کار برده می‌شود. دو کاهش متوالی فصلی در تولید ملی در یک دوره معین اقتصادی به معنی یک کساد یا رکود است و با واژه رکود و کساد همه‌گیر یا بحران که نمایانگر افت طولانی در تولید ملی و کاهش رشد اقتصادی در دوره‌های متوالی است فرق می‌کند. در دوران بحران اقتصادی بیکاری عوامل تولید، تشدید می‌شود.

یک بخش از بحران، مربوط به بازارهای مالی است که به آن بحران مالی گفته می‌شود. دلیل اصلی بحران‌های مالی در کشورهای در حال توسعه شوک‌های کلان اقتصادی و ضعف‌های ساختاری نظام مالی است. شوک‌های کلان اقتصادی، وضعیت مالی اشخاص و سازمان‌های دولتی را بدتر می‌کند، ضعف‌های ساختاری نظام مالی به انعطاف‌پذیری نظام مالی در برابر این شوک‌ها آسیب می‌رساند.

شوک‌های کلان اقتصادی شامل اختلالات برونزا و ناسازگاری‌های سیاستی، می‌تواند نوسانات گسترده‌ای در قیمت‌های نسبی ایجاد کند که باعث افزایش میزان وام‌های سوخت شده بانکی می‌شود و به ورشکستگی بانکی می‌انجامد.



به رشد ۱/۶ درصدی سال ۱۳۷۳ تبدیل گردید.

به نظر می‌رسد در سال ۱۳۷۶ و ماه‌های اخیر وضعیت مشابهی از نظر افت رشد اقتصادی همانند سال ۱۳۷۳ تکرار گردیده است. لیکن منطبق دانستن وضعیت فعلی اقتصاد با حالت رکود به تحقیق و تأمل بیشتری نیاز دارد. ضروری است مفهوم رکود با توجه به ادبیات اقتصادی دقیقاً تبیین گردد. بر اساس متون اقتصادی، رکود به وضعیتی اطلاق می‌گردد که تولید ملی، میزان معاملات و کسب و کار طی ماه‌های متوالی کاهش پذیرد. حداقل دوره افول تولید ملی برای پیدایش حالت رکود بیش از ۶ ماه است.

طبق تعریف بالا می‌توان ادعا نمود شرایط اقتصادی سال ۱۳۷۳ نمایانگر وضعیت رکودی می‌باشد. حال اگر به جای نرخ رشد GDP واقعی از شاخص سرانه آن استفاده شود (ملاحظه نمودن رشد جمعیت) این متغیر دارای رشد مثبت ولی بسیار ناچیز بوده است. جدول ذیل گویای این واقعیت است.

آغاز گردید و در سال ۱۳۶۷ پایان پذیرفت، رونق اقتصادی از سال ۱۳۶۰ شروع و تا اواخر سال ۱۳۶۳ ادامه یافت. تنزل و رکود در بازار برخی از محصولات کمتر اساسی نظیر پوشاک و منسوجات از اواخر سال ۱۳۶۳ شروع شد. رکود مذکور در سال ۱۳۶۴ تا حدود زیادی بازار کفش، لوازم خانگی، اتومبیل و مسکن را نیز در بر گرفت، تا آنجا که بحران کاهش قیمت و صادرات نفت در اواخر سال مذکور، رکود اشاره شده را تعمیق بیشتری بخشید و آن را به بحران و رکود سراسری تولید و تجارت ملی تبدیل نمود. رکود مذکور در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۶۷ بالاترین بیکاری‌ها و بیشترین کاهش در مزدهای واقعی و تولیدات صنعتی کشور را به همراه داشت.

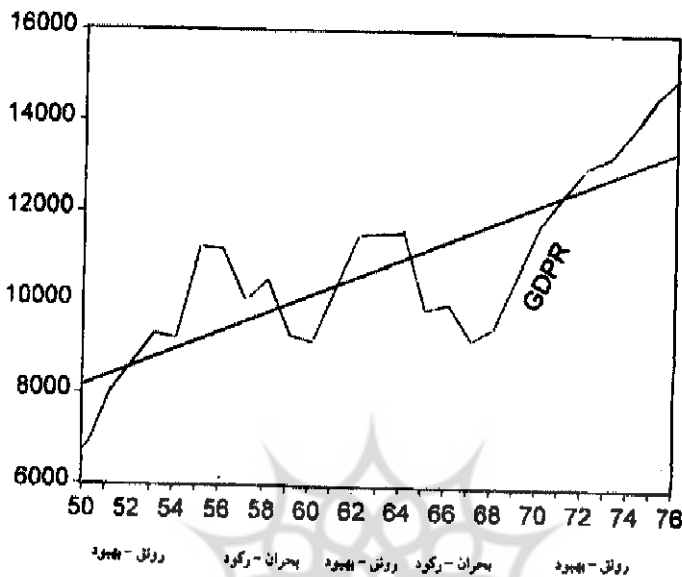
در سال ۱۳۶۸ مرحله جدیدی از بهبود اقتصادی و رونق کسب و کار آغاز گردید. لیکن این جریان رشد در سال ۱۳۷۳ به دلیل برخی از تغییرات اقتصادی که در بخش‌های بعدی به آنها اشاره می‌شود تا حدود زیادی کند شد. به گونه‌ای که رشدهای ۱۲/۱ و ۱۰/۹ درصدی در سال‌های ۱۳۶۹ به ۱۳۷۰،

جدول ۱-۲- نرخ رشد و GDP واقعی سرانه ۱۳۶۸-۱۳۷۵ (بر حسب درصد)

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶*
نرخ رشد GDP واقعی	۳	۱۲/۱	۱۰/۹	۵/۵	۲/۸	۱/۶	۲/۵	۵/۲	۳/۲
نرخ رشد جمعیت	۲/۴۶	۲/۴۶	۱/۴۶	۱/۴۷	۱/۴۷	۱/۴۷	۱/۴۷	۱/۴۷	۱/۳
نرخ رشد GDP واقعی سرانه	۰/۵۴	۹/۶۴	۸/۴۴	۲/۰۲	۲/۳۳	۰/۱۳	۲/۰۲	۲/۷۳	۱/۹

* برآورد.

نمودار ۲- GDP واقعی به قیمت عوامل به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱- میلیارد ریال



رشد ملایمی برخوردار بوده لیکن می‌توان نشان داد در بعضی از بخش‌های اقتصاد رشد تولید منفی بوده است. این تعریف با وضعیت اقتصادی سال ۱۳۷۳ و چند ماه اخیر مطابقت دارد.

روش مناسب برای تشخیص و پیش‌بینی مرحله رکود اقتصادی، استفاده از آمار ماهانه، فصلی و سالانه GDP واقعی می‌باشد. علاوه بر آن به منظور افزایش دقت پیش‌بینی‌ها می‌توان از شاخص‌های دیگری استفاده نمود تا با کمک آنها بتوان روند تغییرات سرمایه‌گذاری، فروش، معاملات اعتباری و در نهایت اقتصادی را از حیث رکود یا رونق ارزیابی نمود. برخی از

چسنانچه ملاحظه می‌گردد، در دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵، GDP واقعی و سرانه آن از رشد مثبتی برخوردار بوده‌اند. بدین لحاظ حتی اگر معیار شرایط رکودی، GDP واقعی سرانه نیز باشد باز هم نمی‌توان شرایط اقتصادی سال‌های اخیر را منطبق با رکود منجر به بحران تلقی نمود. قابل ذکر است که در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورها مفهومی تحت عنوان رکود رشد رایج بوده است. بدین معنا که نرخ رشد اقتصادی اگر چه مثبت بوده لیکن روندی کاهنده داشته و بیکاری رسمی اگر چه افزایش نیافته ولی میزان اشتغال کاهش یافته است (مثلاً از طریق کاهش ساعات کار شاغلان). در این شرایط اگر چه اقتصاد از



وجود ندارد. بدین لحاظ در بخش ۳-۳ براساس آمار اقتصادی موجود در کشور تعدادی از این شاخص‌ها برای تحلیل شرایط اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

شاخص‌های مناسب به منظور تحقق هدف مذکور در جدول صفحه بعد ارائه شده‌اند. نکته قابل ذکر آن که در مورد کلیه شاخص‌های بالا آمار و اطلاعات دقیقی

جدول ۲-۲- شاخص‌های تمین‌کننده و ضمیمه رکود اقتصادی

شاخص‌هایی که عمدتاً روند افزایشی دارند	شاخص‌هایی که عمدتاً روند کاهشی دارند
۱- نرخ بیکاری	۱- وضعیت کارگاه‌های بزرگ صنعت
۲- اسناد برگشت داده شده در اطاق پایاپای	- تولید
۳- نسبت سپرده‌های مدت‌دار به کل سپرده‌های بخش خصوصی نزد شبکه بانکی و بازار پول غیر رسمی	- اشتغال
۴- عرضه و جوه قابل استقراض در شبکه بانکی و بازار پول غیر رسمی	۲- بخش ساختمان
۵- آمار سفته و برات و اخواست شده	- اشتغال کارگران ساختمانی
۶- شرکت‌های تجاری منحل شده	- شاخص دستمزد کارگران ساختمانی
	- سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان‌های جدید
	۳- بازار بورس و اوراق بهادار
	- حجم معاملات
	- شاخص قیمت سهام
	۴- موازنه کل تراز پرداخت‌ها (تغییر ذخایر ارزی)
	۵- اسناد مبادله شده در اطاق پایاپای
	۶- فروش فروشگاه‌های بزرگ
	۷- فروش کالاهای مصرفی با دوام
	۸- نرخ فروش ارز در بازار آزاد
	۹- نرخ بهره در بازار پول غیر رسمی
	۱۰- تقاضا جهت اخذ وام از شبکه بانکی و بازار پول غیر رسمی
	۱۱- حجم فروش سفته و برات
	۱۲- شرکت‌های تجاری تازه تأسیس و ثبت شده

بشوروز

جدول ۲-۳- GDP واقعی به قیمت عوامل به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱

میلیارد ریال

سال	GDP واقعی	نرخ رشد	سال	GDP واقعی	نرخ رشد	سال	GDP واقعی	نرخ رشد
۱۳۵۰	۶۸۰۴	-	۱۳۵۹	۹۳۲۳	-۱۱/۶	۱۳۶۸	۹۵۱۵	۳
۱۳۵۱	۸۰۱۳	۱۷/۷	۱۳۶۰	۹۱۷۵	-۱/۶	۱۳۶۹	۱۰۶۶۵	۱۲/۱
۱۳۵۲	۸۶۸۲	۸/۳	۱۳۶۱	۱۰۳۳۵	۱۲/۶	۱۳۷۰	۱۱۸۲۵	۱۰/۹
۱۳۵۳	۹۳۴۴	۸/۰	۱۳۶۲	۱۱۵۳۷	۱۱/۶	۱۳۷۱	۱۲۴۷۸	۵/۵
۱۳۵۴	۹۲۲۸	-۱/۲	۱۳۶۳	۱۱۵۸۷	۰/۴	۱۳۷۲	۱۳۰۷۱	۴/۷۵
۱۳۵۵	۱۱۲۵۴	۲۲/۰	۱۳۶۴	۱۱۶۰۷	۰/۲	۱۳۷۳	۱۳۲۸۰	۱/۶
۱۳۵۶	۱۱۱۸۴	-۰/۶	۱۳۶۵	۹۸۶۲	-۱۵	۱۳۷۴	۱۳۸۸۰	۴/۵
۱۳۵۷	۱۰۰۷۱	-۱۰/۰	۱۳۶۶	۱۰۰۲۰	۱/۶	۱۳۷۵	۱۴۶۰۵	۵/۳
۱۳۵۸	۱۰۵۴۳	۴/۷	۱۳۶۷	۹۲۳۴	-۷/۸	۱۳۷۶*	۱۵۰۷۰	۳/۲

* برآورد.

۳- تصویری از وضعیت اقتصادی کشور (۱۳۶۸-۱۳۷۶)

پس از بررسی مفهوم لغوی رکود اقتصادی و بیان ویژگی‌های آن، شایسته است وضعیت اقتصادی سال‌های اخیر به گونه‌ای کمی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد، به نحوی که پس از آن بتوان علل بروز رکود در ایران را به طور دقیق‌تر روشن نمود. تحلیل‌های کمی این بخش در سه قسمت ارائه خواهند شد.

در بخش نخست، GDP واقعی کشور به عنوان بهترین تصویرگر رکود اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تحلیل با تکیه بر اجزای تشکیل دهنده آن یعنی ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی صورت خواهد گرفت. به عبارتی تحلیل طرف عرضه اقتصاد مورد نظر است. به منظور

سهولت در استفاده از مطالب، تحلیل‌ها به صورت سالانه ارائه شده‌اند، یعنی در ابتدا یک نمای کلی از وضعیت اقتصادی سال مورد نظر بیان می‌شود، سپس تحولات صورت گرفته در بخش‌های مختلف (کشاورزی، نفت، صنعت و معدن ساختمان، آب و برق و گاز، خدمات) طی همان سال مطرح خواهد شد.

از آنجا که در کوتاه مدت تقاضای کل یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تولید یک کشور به حساب می‌آید و می‌تواند نوسانات اقتصادی را تا حدی تحت تأثیر قرار دهد، لذا در بخش دوم تحلیل طرف تقاضا بر حسب اجزای تشکیل دهنده آن (هزینه‌های مصرفی خصوصی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، هزینه‌های مصرفی دولتی و خالص صادرات) مورد توجه قرار می‌گیرد.

بودجه و استفاده وسیع‌تر از ظرفیت‌های موجود در صنایع کشور آغاز گردید. در این قسمت وضعیت حاکم بر بخش‌های مختلف اقتصادی به صورت سالانه ارائه می‌گردد.

سال ۱۳۶۸

وضعیت کلی: با پایان پذیرفتن جنگ تحمیلی، ضرورت به حرکت درآوردن هر چه سریع‌تر بخش‌های تولیدی در سرلوحه برنامه اقتصادی قرار گرفت. تدوین و اعلام سیاست جدید ارزی به همراه تجدید نظر در سیاست‌های پولی و اعتباری، همچنین رونق بخشیدن به معاملات سهام در بورس اوراق بهادار و کاهش تدریجی برخی از کنترل‌های دولت بر اقتصاد از مهم‌ترین اقدامات دولت وقت به شمار می‌آید. در این سال پس از یک دوره چند ساله وقفه، روند نامساعد متغیرهای کلان اقتصادی متوقف شد و فعالیت‌های اقتصادی گسترش یافت، در سال مذکور ماحصل عملکرد بخش‌های مختلف باعث ایجاد ۳ درصد رشد گردید.

الف- بخش کشاورزی: سیاست‌های حمایتی دولت در سال ۱۳۶۸ با تضمین خرید محصولات کشاورزی دنبال شد و باعث افزایش شاخص بهای عمده فروشی محصولات کشاورزی معادل ۲۲/۷ درصد گردید. در سال مذکور ارزش افزوده بخش کشاورزی نسبت به سال قبل ۳/۷ درصد ترقی نمود. سهم این بخش در GDP، ۲۸/۸ درصد بود.

ب- بخش نفت: تولید نفت خام با ۱۵/۳

در سومین قسمت، شاخص‌هایی که در غیاب آمار مربوط به GDP واقعی ماهانه و فصلی، می‌توانند تصویرکننده وضعیت اقتصادی باشند، مورد عنایت قرار می‌گیرند. اگر چه در این راستا بررسی بسیاری از متغیرها سودمند خواهند بود، ولی مجدداً مشکل فقدان و کمبود اطلاعات و آمار به عنوان یک محدودیت اساسی مطرح است و تنها تعداد محدودی از شاخص‌های مورد نظر در جدول ۲-۲ قابل استفاده می‌باشند.

لازم به توضیح است دوره زمانی مورد نظر در تحلیل‌های کمی، سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۶ می‌باشد. دلیل انتخاب سال ۱۳۶۸ به عنوان مبنای شروع تحلیل‌ها، گذار اقتصاد ایران از یک دوره بحران (۱۳۶۵-۱۳۶۷) و قرار گرفتن آن در یک دوره بهبود اقتصادی بوده است.

۳-۱- بررسی اجزای تشکیل دهنده GDP واقعی بر حسب فعالیت‌های اقتصادی

اقتصاد ایران از پایان سال ۱۳۶۴ به بعد همزمان با شروع کاهش قیمت نفت، تشدید خسارت‌های ناشی از جنگ تحمیلی و بروز تدریجی آثار و عوارض ناشی از آسیب‌ها و ضایعاتی که بر زیرساخت اقتصادی کشور وارد آمده بود با رکود به نسبت عمیقی مواجه گردید که این رکود تا پایان سال ۱۳۶۷ بر کلیه فعالیت‌ها و شئون اقتصادی کشور حاکم بود. با پایان یافتن جنگ و در راستای برنامه پنج‌ساله اول سیاست‌های تعدیل اقتصادی دولت از سال ۱۳۶۸ با آزادسازی صادرات و واردات، حذف تدریجی کنترل قیمت‌ها، کاهش کسری

پیشگویی

در این سال رشد و سهم بخش ساختمان در GDP به ترتیب معادل ۱/۷- و ۳/۹ درصد بوده است.

ه- بخش آب و برق و گاز: در این سال ارزش افزوده زیربخش‌های برق و گاز رشد نمود لیکن تولید در زیربخش آب نسبت به سال قبل کاهش یافت. رشد و سهم این بخش در GDP به ترتیب معادل ۱۱/۰ و ۱/۹ درصد بوده است.

و- بخش خدمات: به دنبال افزایش سطح عمومی فعالیت‌های تولیدی کشور، گروه خدمات نیز عملکردی مثبت ولی ضعیف‌تر از سایر بخش‌ها داشت، به همین دلیل سهم گروه خدمات در GDP نسبت به سال ۱۳۶۷ به مقدار ۰/۷ درصد کاهش یافت. نرخ رشد و سهم این بخش در GDP به ترتیب برابر ۱/۸ و ۳۷/۸ درصد بود.

سال ۱۳۶۹

وضعیت کلی: سال ۱۳۶۹ را می‌توان به وضوح سال شروع دوران رونق اقتصادی دانست، زیرا پس از رکود عمیق دوره ۱۳۶۴-۱۳۶۷ اقتصاد کشور یکی از بالاترین نرخ‌های رشد اقتصادی را تجربه نمود. در این سال تقویت بنیه اقتصادی کشور از طریق سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی و افزایش تولید، محور اصلی کلیه سیاست‌های اقتصادی دولت قرار گرفت. در سال ۱۳۶۹ برای حصول به قیمت‌های تعادلی، تغییراتی در سیستم تولید، توزیع،

درصد رشد نسبت به سال قبل به سطح ۲/۹ میلیون بشکه و صادرات نفت خام نیز با افزایش ۶ درصدی به حدود ۲ میلیون بشکه در روز بالغ گردید. در آن سال متوسط قیمت نفت خام صادراتی کشور به ۱۶/۲۱ دلار در هر بشکه رسید که نسبت به سال قبل حدود ۱۵ درصد ترقی نمود. ارزش افزوده این بخش نسبت به سال قبل ۷/۷ درصد رشد نمود، سهم این بخش در GDP حدود ۱۹/۹ درصد بود.

ج- صنعت و معدن: دولت با ایجاد تسهیلاتی در امر تولید نظیر تخصیص بیشتر منابع مالی (ارزی و ریالی) و حذف برخی از مقررات دست‌وپاسگیر اداری، شرایط مساعدی را برای رشد صنایع فراهم ساخت. بدین ترتیب روند نزولی تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی در سال ۱۳۶۸ متوقف گردید و شاخص تولید این کارگاه‌ها معادل ۵ درصد رشد نمود. رشد و سهم این بخش در GDP واقعی به ترتیب ۸/۸ و ۱۳/۶ درصد بوده است.

د- بخش ساختمان: در سال ۱۳۶۸ ارزش افزوده بخش ساختمان برای پنجمین سال پیاپی کاهش یافت. بررسی وضعیت تولیدی اجزای این بخش مبین آن است که ارزش افزوده ساختمان‌های خصوصی در مناطق شهری رشد ملایمی داشته. در حالی که ارزش افزوده ایجاد شده توسط دولت و بخش خصوصی در مناطق روستایی کاهش یافته است.

کشاورزی کماکان ادامه یافت. دولت به منظور حمایت از کشاورزان، قیمت تضمینی خرید گندم را افزایش داد. همچنین نهاده‌های کشاورزی کماکان با ارز دولتی و تسهیلات بانکی با نرخ ترجیحی در اختیار کشاورزان قرار گرفت. در این سال علی‌رغم نامساعد بودن شرایط جوی در اوایل سال و خسارات ناشی از وقوع زلزله در استان‌های زنجان و گیلان، تولید محصولات عمده کشاورزی رشد قابل توجهی داشت. نرخ رشد و سهم این بخش از GDP معادل ۸/۱ و ۲۴/۵ درصد بود.

ب- بخش نفت: در این سال بازار نفت با نوسانات شدیدی مواجه شد. در اوایل سال بهای نفت خام در سطح پایینی قرار داشت. با تجاوز عراق به خاک کویت، اگر چه بهای نفت شدیداً ترقی کرد، ولی با نوسانات زیادی مواجه بود. در این سال تولید نفت خام ایران و صادرات آن به ترتیب برابر ۳/۲ و ۲/۳ میلیون بشکه در روز بود. متوسط بهای نفت خام صادراتی نیز به ازای هر بشکه در حد ۲۰/۳۳ دلار قرار داشت. نرخ رشد و سهم بخش نفت در GDP به ترتیب معادل ۱۹/۹ و ۱۸/۷ بود.

ج- بخش صنعت و معدن: در سال ۱۳۶۹ با ادامه سیاست تسهیل و تشویق تولید، فعالیت‌های صنعتی رونق گرفت. اقدامات مربوط به آزادسازی صنایع از قبیل تسهیل در ورود مواد اولیه، قطعات و ماشین‌آلات مورد نیاز، تخفیف مسائل و مشکلات اداری و لغو تدریجی مقررات ناسازگار بر قیمت‌گذاری و توزیع، تأثیر عمده‌ای در

کنترل و قیمت‌گذاری به عمل آمد. سیاست‌های ارزی و بازرگانی خارجی نیز با هدف دستیابی به تولید بیشتر و تخصیص کاراتر منابع اقتصادی مورد تجدیدنظر قرار گرفت، به طوری که همراه با گسترش واردات به بهبود ترکیب واردات گمرکی منجر گردید. مجموع اقدامات مذکور، در کنار به کارگیری ظرفیت‌های تولیدی بلااستفاده سبب گردید اقتصاد کشور به سمت تعادل نسبی در بخش‌های اساسی حرکت نماید و در مجموع ساختار فیزیکی، مالی و پولی کشور شکل سالم‌تر و منطقی‌تر به خود بگیرد. نتیجه تحولات مذکور به صورت تسریع نرخ رشد اقتصادی، کاهش کسری بودجه و کاهش نرخ تورم بروز نمود، به طوری که رشد اقتصادی کشور به مرز ۱۲/۱ درصد رسید.

از دیگر رویدادهای اقتصادی در سال ۱۳۶۹ بررسی و گسترش امکانات و مقدمات لازم برای واگذاری واحدهای تولیدی دولتی به بخش خصوصی و انتقال مالکیت بخشی از آنها بود. همچنین گسترش بی‌سابقه فعالیت‌های بورس اوراق بهادار و از سرگرفته شدن صدور گاز ایران به شوروی پس از ۱۰ سال وقفه از جمله رخدادهای دیگر بود. در مقابل وقوع زلزله شدید در شمال کشور، غوارض ناشی از حمله عراق به کویت و ورود بیش از یک میلیون آواره از کشورهای مجاور در مجموع اثرات منفی بر اقتصاد کشور به جای گذارد. الف- بخش کشاورزی: در سال ۱۳۶۹ سیاست‌های حمایتی دولت در بخش

پیشرو

رشد اقتصادی بود، به همین دلیل سهم این بخش در GDP کاهش یافت. نرخ رشد و سهم بخش خدمات در GDP معادل ۹/۷ و ۳۷/۱ درصد بوده است.

سال ۱۳۷۰

وضعیت کلی: با ادامه روند اصلاحات اقتصادی در سال ۱۳۷۰ فعالیت‌های اقتصادی از رونق نسبی برخوردار بود. گسترش سریع فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، ظرفیت‌های فیزیکی و اجرایی اقتصاد کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داد و موجب بروز تنگناهایی گردید. این تنگناها به همراه آثار ناشی از تعدیلات نرخ ارز و آزادسازی قیمت‌ها در برخی از بخش‌های اقتصادی منجر به افزایش سریع تر سطح عمومی قیمت‌ها شد. در این سال رشد اقتصادی معادل ۱۰/۹ درصد بود.

الف- بخش کشاورزی: در این سال ارزش افزوده گروه کشاورزی رشد مطلوبی داشت، این امر در شرایطی تحقق پذیرفت که از میزان سطح زیر کشت محصولات عمده زراعی در مجموع کاسته شده بود، لیکس بهره‌برداری بهتر از زمین‌های زراعی موجب افزایش تولیدات کشاورزی گردید. نرخ رشد و سهم بخش کشاورزی در GDP به ترتیب معادل ۵/۲ و ۲۳/۱ درصد بود.

ب- بخش نفت: برخلاف سال‌های گذشته که ارزش افزوده گروه نفت سهم قابل

گسترش فعالیت‌های صنعتی باقی گذارد. طرح فروش ارز رقابتی به منظور گسترش هرچه بیشتر تولیدات صنعتی در سطح وسیعی اجرا شد و جمعاً ۹/۲ میلیارد دلار به بخش صنعت تخصیص یافت و نرخ آن برای واردات مواد اولیه و واسطه‌ای از سطح ۸۰۰ به ۶۰۰ ریال به ازای هر دلار تقلیل یافت. در این سال نرخ رشد و سهم بخش صنعت و معدن در GDP به ترتیب معادل ۱۵/۶ و ۱۴/۱ درصد بود.

د- بخش ساختمان: در این سال فعالیت‌های ساختمانی نسبت به سایر بخش‌ها از تحرک بسیار کمتری برخوردار بود. علل این مسئله را می‌توان در افزایش هزینه‌های احداث مسکن به علت ترقی قیمت زمین، گرانی مصالح ساختمانی، رشد نرخ خدمات ساختمانی و افزایش نرخ برخی از عوارض شهرداری‌ها جستجو نمود.

نرخ رشد و سهم بخش ساختمان در GDP به ترتیب معادل ۲/۹ و ۳/۶ درصد بوده است.

ه- بخش آب و برق و گاز: در سال ۱۳۶۹ ارزش افزوده این بخش رشد قابل توجهی داشت که عمدتاً به دلیل افزایش تولید زیربخش‌های برق و گاز (به دلیل صدور مجدد گاز طبیعی به شوروی سابق) بوده است. رشد و سهم این بخش در GDP معادل ۱۹/۴ و ۲ درصد بوده است.

و- بخش خدمات: رشد ارزش افزوده بخش خدمات در سال ۱۳۶۹ کمتر از نرخ



سیاست‌های دولت در امر تأمین مسکن در چارچوب بودجه عمومی به بازسازی واحدهای مستقر در مناطق آسیب‌دیده از جنگ و مناطق زلزله‌زده استان‌های شمالی معطوف شد. در سال ۱۳۷۰، نرخ رشد و سهم بخش ساختمان در GDP به ترتیب معادل ۱۶/۰ و ۳/۸ درصد بود.

د- آب و برق و گاز: ارزش افزوده این بخش در سال ۱۳۷۰ از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود. نرخ رشد و سهم این بخش در GDP معادل ۱۵/۵ و ۲/۱ درصد بود.

و- بخش خدمات: در این سال ارزش افزوده گروه خدمات رشد قابل توجهی داشت. نرخ رشد و سهم این بخش در GDP معادل ۱۲/۶ و ۳۷/۵ درصد بود.

سال ۱۳۷۱

وضعیت کلی: در این سال سیاست ارزی و بازرگانی خارجی کشور با هدف تخصیص بهینه منابع ارزی، افزایش توان تولیدی و نیل به تعادل اقتصادی با استفاده از علائم قیمتی صحیح وارد مراحل حساس و مهمی گردید. با اجرای برنامه یکسان سازی نرخ ارز و همچنین اصلاح ساختار قیمت‌ها بر اهمیت سیاست‌های پولی افزوده گردید به نحوی که این سیاست‌ها نقش قابل توجهی در تنظیم روابط اقتصادی و خنثی کردن برخی از عوارض ناشی از اجرای برنامه تعدیل اقتصادی را به عهده گرفت. با این حال گسترش وسیع حجم عملیات مالی دولت و رشد نسبتاً سریع نقدینگی، کاهش واردات،

توجهی در تأمین رشد تولید ملی داشت، در این سال به مقدار قابل توجهی از سهم آن کاسته شد. این امر عمدتاً ناشی از کاهش بهای نفت به میزان ۲۱ درصد به دلیل فزونی گرفتن عرضه نفت نسبت به تقاضای آن در بازار جهانی و رکود حاکم بر اقتصاد کشورهای صنعتی بود که تولید و صدور نفت خام ایران را نیز متأثر ساخت. در سال ۱۳۷۰ تولید و صادرات نفت خام ایران در حد ۳/۴ و ۲/۵ میلیون بشکه در روز قرار داشت و قیمت هر بشکه نفت خام صادراتی نیز ۱۶/۰۸ دلار بود. در سال ۱۳۷۰، نرخ رشد و سهم بخش نفت در GDP به ترتیب معادل ۱۱/۱ و ۱۸/۶ درصد بود.

ج- بخش صنعت و معدن: سیاست‌های اجرا شده در طی سه سال منتهی به ۱۳۷۰، از جمله تأمین ارز مورد نیاز صنایع با نرخ رقابتی، تعدیل قیمت‌های نسبی و استفاده بیشتر از ظرفیت‌های اقتصادی موجود در مجموع نقش قابل توجهی در افزایش ارزش افزوده گروه صنعت و معدن داشت. در سال ۱۳۷۰ نرخ رشد و سهم این بخش در GDP معادل ۱۷/۷ و ۱۴/۹ درصد بود.

د- بخش ساختمان: در سال ۱۳۷۰ ارزش افزوده بخش ساختمان از افزایش قابل توجهی برخوردار گردید. اگرچه فعالیت‌های ساختمانی شهرهای کشور، در نیمه دوم سال تا حدودی دچار رکود بود. اما در کنار آن شاخص‌های عمده ساختمانی اعم از بهای خدمات و مصالح ساختمانی به دلیل خروج صنایع ساختمانی از شمول ارز دولتی افزایش یافت. در این سال عمده

پیشرو

کاسته شد. سیاست واگذاری واحدهای صنعتی تحت مدیریت و مالکیت دولت در قالب سیاست تعدیل اقتصادی از طریق بورس و مزایده دنبال شد. همچنین در جهت رفع موانع توسعه صنعتی، تسهیل در امر سرمایه‌گذاری و بالاخره افزایش صادرات صنعتی، سیاست‌های متعددی از قبیل حذف گواهی عدم ساخت، فراهم آوردن برخی از تسهیلات ارزی و گمرکی و ایجاد مشوق‌های صادراتی با اعمال نرخ‌های ترجیحی سود تسهیلات بانکی، شرکت در نمایشگاه‌های کالا در داخل و خارج از کشور به مورد اجرا گذارده شد.

نرخ رشد و سهم بخش صنعت و معدن در GDP به ترتیب معادل $3/3$ و $14/6$ درصد بود.

د- بخش ساختمان: در سال ۱۳۷۱ این بخش دارای رشد مثبت بود که این رشد عمدتاً ناشی از رشد قابل توجه ساختمان‌های بخش عمومی به میزان ۲۸ درصد بود. ارزش افزوده ساختمان‌های بخش خصوصی که حدود ۶۲ درصد از ارزش افزوده بخش ساختمان را شامل می‌شد، در این سال معادل $1/6$ درصد کاهش یافت. نرخ رشد و سهم این بخش در GDP معادل $7/9$ و $3/9$ درصد بود.

ه- آب و برق و گاز: در سال ۱۳۷۱ رشد این بخش نسبت به سال قبل تا حدودی کاهش یافت. نرخ رشد و سهم این بخش در GDP به ترتیب معادل $8/5$ و $2/2$ درصد بود.

حذف برخی از سوبسیدها و نیز تعدیل نرخ ارز، موجبات افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را فراهم آورد.

در این سال GDP با آهنگی کندتر از سال‌های قبل و با افزایشی معادل $5/5$ درصد به رشد خود ادامه داد.

الف- بخش کشاورزی: در سال ۱۳۷۱ به دلیل افزایش سطح زیر کشت محصولات کشاورزی و مساعد بودن شرایط جوی از یک سو و ادامه سیاست حمایتی دولت در بخش کشاورزی در زمینه خرید تضمینی محصولات، تشکیل تعاونی‌های تولید، اعطای تسهیلات با نرخ‌های ترجیحی و پرداخت سوبسید بابت نهاده‌های کشاورزی از سوی دیگر سبب گردید بخش کشاورزی در سال ۱۳۷۱ از رشد مطلوبی برخوردار گردد. رشد و سهم آن در GDP به ترتیب معادل $7/4$ و $23/6$ درصد بود.

ب- بخش نفت: بازارهای جهانی نفت در سال ۱۳۷۱ با نوسان همراه بود. تولید و صادرات نفت خام ایران معادل $3/7$ و $2/7$ میلیون بشکه در روز بود و قیمت نفت خام صادراتی با اندکی افزایش در حد $16/75$ دلار در هر بشکه قرار گرفت. نرخ رشد و سهم بخش نفت در GDP معادل $1/5$ و 18 درصد بود.

ج- بخش صنعت و معدن: سال ۱۳۷۱ را می‌توان به عنوان اولین سال دوره گذار نام برد، در این سال در مجموع از سرعت رشد صنایع نسبت به سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰



و- بخش خدمات: ارزش افزوده این بخش در این سال روندی افزایشی داشت و سهم آن در GDP حدود ۱/۲ درصد افزایش یافت. نرخ رشد و سهم بخش خدمات در GDP به ترتیب ۵/۵ و ۳۷/۷ درصد بود.

سال ۱۳۷۲

وضعیت کلی: از مهم‌ترین رویدادهای سال ۱۳۷۲، سیاست یکسان سازی نرخ ارز، تغییر نظام ارزی و همچنین اعلام نرخ شناور به عنوان نرخ رسمی ارز بود که تحولات عمده‌ای را در کلیه ابعاد اقتصادی کشور به وجود آورد. اوضاع نامساعد بازار جهانی نفت، به دلیل مازاد عرضه نفت خام باعث ایجاد روند نزولی در قیمت نفت گردید و دریافت‌های ارزی را با محدودیت مواجه نمود. البته علی‌رغم مشکل فوق GDP واقعی حدود ۴/۸ درصد رشد نمود و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی نیز به قیمت‌های ثابت ۲/۷ درصد رشد نمود.

الف- بخش کشاورزی: در سال ۱۳۷۲ به موازات اجرای سیاست‌های آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز، کوشش شد تا سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی کماکان ادامه یابد. این سیاست‌ها شامل خرید تضمینی محصولات کشاورزی، اعطای تسهیلات مالی با نرخ‌های ترجیحی و پرداخت سوبسید بابت نهاده‌های کشاورزی بود. نتیجه این سیاست‌ها، فعالیت نسبتاً مطلوب بخش کشاورزی را در پی داشت. رشد و سهم آن در GDP به ترتیب برابر ۵/۵ و ۲۳/۷ درصد بود.

ب- بخش نفت: در سال ۱۳۷۲ تولید نفت خام ایران معادل ۲/۲ درصد کاهش یافت. کل صادرات نفت نیز حدود ۷/۵ درصد تنزل نمود و به حدود ۲/۳ میلیون بشکه در روز رسید. نرخ رشد و سهم این بخش در GDP معادل ۳/۶ و ۱۷/۷ درصد بود.

ج- بخش صنعت و معدن: در سال ۱۳۷۲ فعالیت‌های صنعتی با تنگناهای شدیدی مواجه بود. در پی تقلیل نسبی واردات مواد اولیه ناشی از مضیقه‌های ارزی در این سال از بهره‌برداری غالب واحدهای صنعتی به شدت کاسته شد و اکثر صنایع با رکود مواجه گردید، به طوری که شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی ۹/۷ درصد کاهش یافت. در سال ۱۳۷۲ نرخ رشد و سهم بخش صنعت و معدن در GDP معادل ۰/۳- و ۱۳/۹ درصد بود.

د- بخش ساختمان: در این سال فعالیت‌های بخش ساختمان نسبت به سال‌های قبیل متحرک قابل ملاحظه‌ای نداشت. بخش خصوصی که معمولاً بیشترین سهم را در فعالیت‌های ساختمان دارا می‌باشد، فعالیت‌های خود را در احداث مسکن به دلیل افزایش هزینه‌های احداث، محدود و بیشترین تلاش خود را در تکمیل ساختمان‌های نیمه تمام متمرکز ساخت. نرخ رشد و سهم بخش ساختمان در GDP به ترتیب ۲/۴ و ۳/۸ درصد بود.

ه- آب و برق و گاز: در سال ۱۳۷۲ فعالیت این بخش نسبتاً مطلوب بود. به گونه‌ای که رشد و سهم این بخش در GDP به ترتیب برابر ۹/۷ و ۲/۳ درصد بود.

پیشرو

سیاست‌های حمایتی دولت از قبیل افزایش قیمت خرید تضمینی بسیاری از محصولات کشاورزی، تأمین نهاده‌های تولید و تأمین نیازهای مالی از طریق سیستم بانکی از رشدی مثبت اما کمتر از سال‌های قبل برخوردار بود. نرخ رشد و سهم بخش کشاورزی در GDP به ترتیب معادل ۲/۰ و ۲۳/۹ درصد بود.

پ- نفت: عملکرد گروه نفت در سال ۱۳۷۳ برخلاف سال‌های قبل منفی بود و ارزش افزوده این گروه کاهش نشان داد، این کاهش عمدتاً ناشی از افزایش سهم مصرف داخلی به دلیل قیمت‌های ثابت و نازل فرآورده‌های نفتی بود. نرخ رشد و سهم این بخش در GDP به ترتیب معادل ۵/۶- و ۱۶/۵ درصد بود.

ج- صنعت و معدن: با رفع نسبی مشکلات بخش صنعت و هماهنگی صنایع کشور با سیاست‌های کلان اتخاذ شده از جانب دولت به همراه گسترش دامنه سیاست آزادسازی قیمت کالاها، توسعه صادرات صنعتی، تأمین نیازهای مالی بخش و همچنین بهره‌برداری از طرح‌های متعدد صنعتی سبب گردید که در این سال فعالیت بخش صنعت و معدن به نحو چشمگیری نسبت به عملکرد سال ۱۳۷۲ بهبود یابد و نرخ رشد آن بالاتر از نرخ رشد اقتصادی قرار گیرد. نرخ رشد و سهم این بخش در GDP معادل ۳/۵ و ۱۴/۲ درصد بود.

د- بخش ساختمان: در سال ۱۳۷۳

و- خدمات: در این سال گروه خدمات در مجموع عملکرد بهتری نسبت به بخش‌های تولیدکننده کالا داشت. گروه خدمات سهم قابل توجهی در تأمین رشد GDP داشت. در این سال نرخ رشد و سهم بخش خدمات در GDP معادل ۷/۵ و ۳۸/۶ درصد بود.

سال ۱۳۷۳

وضعیت کلی: دومین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی در سال ۱۳۷۳ تصویب گردید تا از ابتدای سال ۱۳۷۴ به مورد اجرا گذارده شود. ایجاد ثبات پایدار اقتصادی و نیل به تعادل در پرداخت‌های خارجی دو محور اصلی برنامه پنج ساله دوم است که اساس هدف‌گذاری‌های این برنامه را تشکیل می‌دهد.

در سال ۱۳۷۳ اقتصاد ایران به رشد مثبت خود ادامه داد، لیکن این رشد با وجود عواملی نظیر استفاده کامل از ظرفیت‌های موجود و افزایش حجم تشکیل سرمایه در این سال به دلیل فرارسیدن زمان بازپرداخت تعهدات ارزی کوتاه مدت تحت فشار قرار گرفت، به طوری که رشد اقتصادی در این سال با آهنگی کندتر در مقایسه با سال‌های قبل و به میزان ۱/۶ درصد روبه‌رو شد. علی‌رغم محدودیت‌های موجود در این سال ارزش افزوده کلیه بخش‌های اقتصادی به جز نفت از رشدی مثبت برخوردار بود.

الف- بخش کشاورزی: در سال ۱۳۷۳ فعالیت‌های کشاورزی تحت تأثیر اعمال

ضعیف‌تری داشته است. نرخ رشد و سهم بخش خدمات در GDP به ترتیب ۲/۵ و ۳۹/۰ درصد بود.

سال ۱۳۷۴

وضعیت کلی: اقتصاد ایران در اولین سال اجرای برنامه دوم با روند فزاینده انتظارات تورمی مواجه بود. این روند که از اوایل نیمه دوم سال ۱۳۷۳ آغاز شده بود، در اوایل سال ۱۳۷۴ بازارهای داخلی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. به طوری که در اواخر اردیبهشت این سال التهاب در بازارهای مختلف به ویژه بازار کالا و ارز به اوج خود رسید. با توجه به این که ادامه این روند اقتصاد کشور را با مخاطرات جدی و خارج از کنترل مواجه می‌کرد، مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی به مورد اجرا گذاشته شد که مهم‌ترین آنها تثبیت نرخ ارز و بهای برخی از کالاها، هدایت ارزهای حاصل از صادرات غیرنفتی به سیستم بانکی، تشدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز و تأمین منابع ارزی و ریالی لازم برای عرضه هرچه سریع‌تر کالا بود. این سیاست‌های نسبتاً مطلوب باعث استفاده بهتر از ظرفیت‌های ایجاد شده در برنامه اول گردید و منجر به تحقق رشد ۴/۸ درصدی گردید.

الف- بخش کشاورزی: در سال ۱۳۷۴ سیاست اعطای تسهیلات مالی با نرخ‌های ترجیحی، آزادسازی قیمت اکثر محصولات کشاورزی، خرید تضمینی محصولات، فراهم ساختن نهاده‌های تولیدی ارزان و تشویق صادرات باعث رشد تولیدات این

تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش ساختمان نسبت به سال قبل از آن افزایش قابل توجهی یافت که عمدتاً توسط بانک‌های تجاری پرداخت شد. همین مسئله سبب افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی گردید. همچنین دولت نیز با توجه به شرایط عمومی حاکم بر اقتصاد و جهت تقویت فعالیت‌های بخش ساختمان، در قانون بودجه سال ۱۳۷۳ میزان قابل ملاحظه‌ای بر حجم بودجه عمرانی برنامه‌های این بخش افزود و سهم سرمایه‌گذاری ثابت دولت نسبت به سال قبل از آن افزایش یافت. اما به دلیل رشد قابل ملاحظه شاخص بهای خدمات ساختمانی و عمده فروشی مصالح ساختمانی، سرمایه‌گذاری واقعی بخش خصوصی و دولتی از رشد محدودی برخوردار بود. به هر حال بخش ساختمان در سال ۱۳۷۳ از رونق نسبی برخوردار بوده است، به دلیل این که بخش خصوصی در مقایسه با بخش دولتی سهم بیشتری در رشد ارزش افزوده بخش ساختمان داشته است. نرخ رشد و سهم بخش ساختمان در GDP به ترتیب معادل ۶/۰ و ۳/۹ درصد بود.

ه- آب و برق و گاز: در سال ۱۳۷۳ این بخش از رشد مثبت و قابل توجهی برخوردار بوده است. رشد و سهم این بخش در GDP به ترتیب در حد ۱۱/۲ و ۲/۵ درصد قرار داشته است.

و- بخش خدمات: در سال ۱۳۷۳ این بخش دارای رشد مثبت بود، لیکن نسبت به سال قبل از آن در مجموع عملکرد

پیشرو

سرمایه‌گذاری دولت از محل اعتبارات عمرانی بابت طرح‌های ملی نسبت به سال قبل ۶۰ درصد رشد نماید.

این مسائل در کنار سیاست‌های اتخاذ شده در زمینه احداث واحدهای مسکونی کوچک و استفاده مطلوب‌تر از زمین در مناطق شهری، موجبات تکمیل سریع‌تر ساختمان‌های در دست ساخت را فراهم نمود و در مجموع همه این عوامل سبب شدند فعالیت‌های بخش ساختمان از رونق نسبی برخوردار باشد. رشد و سهم این بخش در GDP معادل ۵/۵ و ۴/۱ درصد بود.

ه- آب و برق و گاز: نرخ رشد و سهم این بخش در GDP به ترتیب معادل ۶/۱ و ۲/۶ درصد بود. رشد این بخش نسبت به سال قبل تا حدی کندتر شد.

و- خدمات: بررسی روند رشد ارزش افزوده گروه خدمات نشان می‌دهد که سرعت رشد مثبت و فزاینده این بخش که تقریباً در تمامی سال‌های برنامه اول توسعه ادامه داشت، در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ کاهش یافت. بررسی بخش‌های تشکیل دهنده گروه خدمات نشان می‌دهد که کاهش رشد ارزش افزوده این گروه در سال ۱۳۷۴ عمدتاً به دلیل کاهش ارزش افزوده بخش خدمات مؤسسات مالی و پولی، خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی، بازرگانی، رستوران و هتل‌داری و خدمات عمومی صورت گرفته است. نرخ رشد و سهم این

بخش گردید. نرخ رشد و سهم بخش کشاورزی در GDP به ترتیب معادل ۲/۳ و ۲۳/۸ درصد بود.

ب- بخش نفت: در این سال همانند سال گذشته، علی‌رغم وجود ظرفیت بالقوه بالاتر تولید نفت خام (۳/۹ میلیون بشکه در روز)، جهت تثبیت بهای نفت، تولید در سطح ۳/۶ میلیون بشکه در روز قرار داشت. نرخ رشد و سهم این بخش در GDP برابر ۱/۹ و ۱۶/۲ درصد بود.

ج- صنعت و معدن: در این سال علی‌رغم وجود مشکلاتی، بخش صنعت و معدن رونق خود را ادامه داد. استمرار سیاست‌های دولت در این بخش شامل تأمین نسبی منابع، تثبیت نرخ ارز، آزادسازی قیمت‌ها و حمایت از تولیدکنندگان و صادرکنندگان کالاهای صنعتی و معدنی از یک سو و به بهره‌برداری رسیدن طرح‌های عظیم صنعتی و در اختیار داشتن بازار وسیع داخلی از سوی دیگر از جمله عوامل عمده رونق در این بخش بودند. رشد و سهم این بخش در GDP معادل ۵/۸ و ۱۴/۶ درصد بود.

د- بخش ساختمان: در سال ۱۳۷۴ به دلیل تثبیت بازارهای ارز و طلا و همچنین کنترل قیمت تعداد زیادی از کالاهای بادوام همراه با افزایش سقف و میزان تسهیلات اعطایی بانکی موجبات انتقال و جذب بخش عمده‌ای از سرمایه‌های موجود به بخش ساختمان را فراهم آورد. از سوی دیگر افزایش اعتبارات بودجه‌ای نیز باعث گردید

بخش در GDP به ترتیب معادل ۲/۴ و ۳۸/۸ درصد بود.

سال ۱۳۷۵

وضعیت کلی: در این سال اقتصاد ایران از روند متعادلی برخوردار بود. تورم شدید حدود ۵۰ درصدی سال ۱۳۷۴ تا حدود زیادی کنترل گردید و در حد ۲۳/۲ درصد قرار گرفت. حمایت از تولیدات داخلی و محدودیت واردات (حدود ۱۵ میلیارد دلار) از یک سو و افزایش درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز (حدود ۱۹/۳ میلیارد دلار) از سوی دیگر، سبب گردید حدوداً ۵/۴ میلیارد دلار مازاد حساب جاری در تراز پرداخت‌ها به وجود آید. در این سال کلیه بخش‌های اقتصادی دارای رشد مثبت بودند و اقتصاد در مجموع از رشد ۵/۲ درصدی برخوردار گردید. بازار بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۷۵ با مبادله بیش از ۴۳۸۱ میلیارد ریال از سهام شرکت‌ها نسبت به سال قبل معادل ۱۳۳ درصد رشد نمود.

الف- بخش کشاورزی: در سال ۱۳۷۵ سیاست‌های حمایتی دولت از قبیل افزایش قیمت خرید تضمینی بسیاری از محصولات، تأمین نهاده‌های تولیدی و اعطای تسهیلات مالی با نرخ‌های ترجیحی، سبب گردید بخش کشاورزی نسبت به سال قبل از آن رشد بالاتری داشته باشد، اگرچه شرایط جوی چندان مطلوب نبود. در سال ۱۳۷۵ رشد و سهم بخش کشاورزی در GDP به ترتیب معادل ۲/۵ و ۲۳/۶ درصد بود.

ب- بخش نفت: در این سال بخش نفت از رشد ملایمی برخوردار بود. نرخ رشد و سهم بخش نفت در GDP به ترتیب معادل ۱/۵ و ۱۵/۸ درصد بود.

ج- بخش صنعت و معدن: در سال ۱۳۷۵ ارزش تخصیص یافته به این بخش تا حدودی افزایش یافت و توانست با وجود تنگناهای موجود از رشد قابل قبولی برخوردار باشد. نرخ رشد و سهم بخش صنعت و معدن در GDP به ترتیب ۵/۲ و ۱۴/۷ درصد بود.

د- بخش ساختمان: در سال ۱۳۷۵ این بخش از رشد قابل توجهی برخوردار گردید. علت اصلی این امر افزایش شدید قیمت مسکن در مناطق شهری و ترغیب برخی از سرمایه‌گذاران به فعالیت در بخش ساختمان بود. نرخ رشد و سهم بخش ساختمان در GDP معادل ۱۰/۵ و ۴/۳ درصد بود.

ه- آب و برق و گاز: نرخ رشد و سهم این بخش در GDP معادل ۶/۰ و ۲/۶ درصد بود. و- بخش خدمات: در سال ۱۳۷۵، رشد بخش خدمات نسبت به سال قبل از آن در حد بالاتری قرار داشت. نرخ رشد و سهم این بخش در GDP معادل ۴/۹ و ۳۹ درصد بود.

سال ۱۳۷۶

وضعیت کلی: آمار مقدماتی حساب‌های ملی سال ۱۳۷۶ حاکی از آن است که نرخ رشد اقتصادی در این سال حدوداً ۳/۲ درصد بوده است. همان‌گونه که انتظار می‌رفت این نرخ از رشد اقتصادی سال

پیشگویی

۱۳۷۵ (۵/۲ درصد) و متوسط دوره در بخش های بعدی تلاش می شود دلایل
 ۱۳۵۰-۱۳۷۵ (۳/۵ درصد) پایین تر است. بروز چنین وضعیتی ارزیابی شوند.

جدول ۳-۱- تولید ناخالص داخلی به تفکیک ارزش افزوده، نرخ رشد و سهم گروه های اقتصادی
 (به قیمت عوامل - بر حسب قیمت های ثابت ۱۳۶۱) میلیارد ریال - درصد

بخش اقتصادی	سال							
	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸
کشاورزی	ارزش افزوده	۲۷۴۶	۲۹۶۸	۳۱۲۰	۳۳۵۲	۳۵۳۶	۳۶۰۶	۳۶۸۸
	نرخ رشد	۳/۷	۸/۱	۵/۲	۷/۲	۵/۵	۲/۱	۲/۳
	سهم	۲۵/۳	۲۴/۵	۲۳/۱	۲۳/۶	۲۳/۷	۲۳/۹	۲۳/۸
نفت	ارزش افزوده	۱۸۹۰	۲۲۶۵	۲۵۱۷	۲۵۵۲	۲۶۴۵	۲۴۹۶	۲۵۱۸
	نرخ رشد	۷/۷	۱۹/۹	۱۱/۱	۱/۵	۳/۶	-۵/۶	۰/۹
	سهم	۱۷/۴	۱۸/۷	۱۸/۶	۱۸/۰	۱۷/۷	۱۶/۵	۱۶/۲
صنعت و معدن	ارزش افزوده	۱۴۷۷	۱۷۰۷	۲۰۰۹	۲۰۷۵	۲۰۶۹	۲۱۴۱	۲۲۶۵
	نرخ رشد	۸/۸	۱۵/۶	۱۷/۷	۳/۳	-۰/۳	۳/۵	۵/۸
	سهم	۱۳/۶	۱۴/۱	۱۴/۹	۱۴/۶	۱۳/۹	۱۴/۲	۱۴/۶
ساختمان	ارزش افزوده	۲۲۶	۲۳۸	۵۰۸	۵۴۹	۵۶۲	۵۹۶	۶۲۹
	نرخ رشد	-۱/۷	۲/۹	۱۶/۰	۷/۹	۲/۴	۶/۰	۵/۵
	سهم	۳/۹	۳/۶	۳/۸	۳/۹	۳/۸	۳/۹	۴/۱
آب و برق و گاز	ارزش افزوده	۲۰۷	۲۴۷	۲۸۵	۳۰۹	۳۲۹	۳۷۷	۴۰۰
	نرخ رشد	۱۱/۰	۱۹/۴	۱۵/۵	۸/۵	۹/۷	۱۱/۲	۶/۱
	سهم	۱/۹	۲/۰	۲/۱	۲/۲	۲/۳	۲/۵	۲/۶
خدمات	ارزش افزوده	۴۱۰۱	۴۵۰۰	۵۰۶۷	۵۳۴۴	۵۷۴۴	۵۸۸۵	۶۰۲۵
	نرخ رشد	۱۰/۸	۹/۷	۱۲/۶	۵/۵	۷/۵	۲/۵	۲/۴
	سهم	۳۷/۸	۳۷/۱	۳۷/۵	۳۷/۷	۳۸/۶	۳۹/۰	۳۸/۸
جمع ارزش های افزوده								
کسر مرشود، کارمزد، اجناسی و نتیجه بافند ماده (۱۳۳۲) (۱۴۶۰) (۱۶۸۱) (۱۷۰۵) (۱۸۲۴) (۱۸۲۱) (۱۶۴۵) (۱۵۹۳)								
GDP واقعی								
نرخ رشد								



دولت (هزینه‌های مصرفی دولتی) و خارجیان (خالص صادرات) می‌باشد. جمع این چهار جزء را اصطلاحاً هزینه ناخالص داخلی گویند. از آنجا که تقاضای کل در کوتاه مدت بر تولید اثر می‌گذارد، بنابراین کلیه اجزای آن نیز می‌توانند نوسانات اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند.

۲-۳- بررسی اجزای تشکیل دهنده هزینه ناخالص داخلی

در این فصل، اقتصاد ایران از جنبه طرف تقاضا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. تقاضای کل کالاها و خدمات مرکب از تقاضای خانوارها (هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی)، (هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی)، (تشکیل سرمایه ثابت ناخالص)،

جدول ۲-۳- هزینه ناخالص داخلی و اجزای آن به تفکیک ارقام واقعی، نرخ رشد و سهم هریک (۱۳۶۸-۱۳۷۵)

(به قیمت بازار سر حسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱)

میلیارد ریال - درصد

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵ (مقدماتی)
هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی	۶,۳۲۷/۱	۷,۵۶۴/۵	۸,۲۸۱/۵	۸,۷۲۵/۳	۸,۹۲۸	۹,۱۲۳/۸	۹,۳۵۷/۶	۹,۶۲۲/۳
نرخ رشد	۲/۵	۱۹/۵	۹/۵	۵/۳	۲/۳	۲/۲	۲/۵	۳/۱
سهم	۶۵	۶۹/۲	۶۸	۶۷/۸	۶۸/۲	۶۹/۲	۶۸/۱	۶۶/۳
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۱,۲۱۶/۸	۱,۳۷۸/۸	۱,۹۲۲/۹	۲,۰۷۷/۳	۲,۱۳۲/۴	۲,۲۰۶/۳	۲,۲۸۸/۷	۲,۲۵۸/۷
نرخ رشد	۶/۴	۱۳/۳	۴۰/۹	۶/۹	۲/۷	۲/۴	۳/۷	۷/۴
سهم	۱۲/۴	۱۲/۴	۱۶	۱۶/۱	۱۶/۳	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۹
هزینه‌های مصرفی بخش دولتی	۱,۱۸۹/۴	۱,۳۳۶/۶	۱,۳۵۰	۱,۵۵۱/۹	۱,۸۲۰/۳	۱,۸۹۸/۶	۱,۹۵۵/۶	۲,۰۷۲/۹
نرخ رشد	-۱۴/۸	۱۲/۴	۸/۵	۷	۱۷/۳	۴/۳	۳	۶
سهم	۱۲/۲	۱۲/۲	۱۱/۹	۱۲	۱۳/۹	۱۴/۴	۱۴/۲	۱۴/۲
خالص صادرات کالاها و خدمات	۹۲۰/۱	۹۷۸/۴	۸۷۷/۷	۱,۰۹۰/۷	۱,۷۹۲/۸	۲,۳۷۲/۴	۲,۲۶۸/۲	۲,۰۹۸/۵
نرخ رشد	-۱/۹	۶/۳	-۱۰/۳	۲۴/۳	۶۴/۴	۳۲/۴	-۴/۵	-۷/۵
سهم	۹/۴	۹	۷/۲	۸/۵	۱۳/۷	۱۸	۱۶/۵	۱۴/۴
هزینه ناخالص داخلی	۹,۷۸۱/۵	۱۰,۹۳۰/۲	۱۰,۱۸۱/۲	۱۲,۸۷۹/۱	۱۳,۰۸۳/۸	۱۳,۱۸۰/۹	۱۳,۷۴۰/۵	۱۴,۵۲۹/۷
نرخ رشد	۳/۳	۱۱/۷	۱۱/۴	۵/۷	۱/۶	۰/۷	۴/۲	۵/۹

مجموعه

سال قبل افزایش داشته است. همچنین کلیه اجزای هزینه‌های مصرفی خانوارهای روستایی دارای افزایش بود.

در مناطق شهری هزینه‌های مربوط به خوراک و پوشاک ۵۶ درصد و در مناطق روستایی این رقم ۶۴/۷ درصد کل هزینه‌های خانوار را تشکیل می‌داد، حال آن که هزینه مربوط به مسکن و سوخت در بین خانوارهای شهری ۲۸ درصد و در بین خانوارهای روستایی ۱۵/۵ درصد کل هزینه‌های مصرفی خانوار را شامل می‌شد.

ب- هزینه‌های مصرفی دولتی: مخارج دولت به قیمت‌های ثابت ۱۴/۸ درصد کاهش یافت. همچنین سهم هزینه‌های مصرفی دولت در کل هزینه‌های ناخالص داخلی به قیمت ثابت از ۱۴/۷ در سال ۱۳۶۷ به ۱۲/۱ درصد کاهش یافت. در این سال بیشترین کاهش در هزینه‌ها مربوط به هزینه‌های دفاعی و بیشترین افزایش مربوط به هزینه‌های بهداشت بود. علاوه بر این هزینه‌های مربوط به امنیت و نظم عمومی، رفاه اجتماعی، مسکن، خدمات تفریحی و فرهنگی و خدمات اقتصادی نسبت به سال قبل کاهش و هزینه‌های مربوط به خدمات عمومی، شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی افزایش یافت و هزینه‌های آموزش و پرورش در حدود سال قبل باقی ماند. جبران خدمات کارکنان دولت و خرید کالاهای مصرفی توسط دولت دو جزء اصلی هزینه‌های مصرفی دولت را تشکیل

بدین لحاظ سیاست‌گذار باید سیستم اقتصادی را به دقت زیر نظر داشته باشد و قبل از اتخاذ سیاست پولی یا مالی از وضعیت اقتصادی کشور مبنی بر وجود رونق یا رکود مطلع باشد. در این بخش نیز برای بررسی کاهش نرخ رشد در شرایط حاضر لازم است نرخ رشد و سهم اجزای تقاضای کل یا به عبارتی روند تغییرات آن به صورت سالانه تحلیل شود.

سال ۱۳۶۸

در این سال هزینه ناخالص داخلی به تبع افزایش GDP واقعی از رشدی معادل ۳/۳ درصد برخوردار بود. این رشد عمدتاً به دلیل افزایش هزینه‌های مصرفی خصوصی حاصل شده که بالاترین سهم هزینه ناخالص داخلی (۶۹ درصد) را به خود اختصاص داده است. هزینه‌های مصرفی دولتی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و موجودی انبار روند نزولی داشته‌اند.

الف- هزینه‌های مصرفی خصوصی: این مخارج طی دوره ۱۳۶۴-۱۳۶۷ پیوسته در حال کاهش بود. اما در سال ۱۳۶۸ با آهنگی ملایم‌تر از هزینه ناخالص ملی افزایش یافت. این افزایش بیشتر ناشی از رشد قابل توجه هزینه‌های مصرفی خانوارهای روستایی بود. در این سال به استثنای هزینه‌های مربوط به مسکن سوخت و هزینه‌های مربوط به بهداشت و درمان، سایر هزینه‌های خانواده‌های کل کشور نسبت به



خدمات به تنهایی دارای رشد بوده‌اند لیکن نرخ رشد واردات بیش از نرخ رشد صادرات بوده است.

سال ۱۳۶۹

الف- هزینه‌های مصرفی خصوصی: این هزینه‌ها معادل ۱۹/۵ درصد رشد داشته است و سهم آن در هزینه ناخالص داخلی از حدود ۶۵ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۶۹ درصد در سال ۱۳۶۹ افزایش یافته است.

سهم خوراک به کل هزینه‌ها حدود ۴۶ درصد و هزینه‌های مربوط به مسکن و ساخت و روشنایی حدود ۲۶ درصد هزینه‌های مصرفی خانوارهای کل کشور را به خود اختصاص داده است. که اولی ۱۲/۶ درصد و دومی ۲۷/۹ درصد نسبت به سال قبل رشد داشته‌اند.

ب- هزینه‌های مصرفی دولتی: مخارج دولت از رشدی معادل ۱۲/۲ درصد برخوردار بود و سهم آن در هزینه ناخالص داخلی نسبت به سال ۱۳۶۸ تغییر ننمود. جبران خدمات کارکنان دولت که حدود ۶۶ درصد از هزینه‌های مصرفی دولت را تشکیل می‌داد، ۹ درصد افزایش یافت. خرید کالاهای مصرف‌شدنی اداری نیز از رشدی حدود ۲۰ درصد برخوردار گردید.

بسررسی در اجزای تشکیل دهنده هزینه‌های مصرفی دولت بر حسب وظایف حاکمی از افزایش مربوط به خدمات اقتصادی، امنیت و نظم عمومی، رفاه اجتماعی و آموزش و پرورش بوده و بیشترین کاهش مربوط به خدمات عمومی

می‌دهند که اولی حدود ۸ درصد کاهش یافت و دومی حدود ۲۲ درصد کاهش نشان می‌دهد.

ج- تشکیل سرمایه ثابت ناخالص: در سال ۱۳۶۸ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص روند نزولی خود را که از سال ۱۳۶۴ شروع شده بود با آهنگی کندتر از سال‌های قبل ادامه داد. بررسی ارقام تشکیل سرمایه ثابت نشان می‌دهد که به استثنای دوره ۱۳۶۰-۱۳۶۳ که در طی آن تشکیل سرمایه ثابت ناخالص تحت تأثیر بهبود وضع ارزی کشور از رشدی مثبت برخوردار بود در بقیه سال‌های پس از انقلاب کاهش داشته است.

بررسی اجزای تشکیل دهنده سرمایه حاکمی از آن است که تشکیل سرمایه بخش خصوصی با کاهش حدود ۱۰ درصد با سرعتی بیش از تشکیل سرمایه بخش عمومی تنزل داشته است. بیشترین میزان افزایش تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات مربوط به بخش دولتی بوده که حدود ۴۴/۵ درصد نسبت به رقم مشابه سال قبل افزایش داشته است. در حالی که تشکیل سرمایه بخش خصوصی در ماشین‌آلات با کاهش حدود ۲۰ درصد مواجه گردید.

تشکیل سرمایه در ساختمان ۱۳/۳ درصد و سرمایه‌گذاری در ساختمان‌های بخش خصوصی ۹/۲ درصد کاهش یافت، همچنین میزان سرمایه‌گذاری بخش عمومی حدود ۲۰ درصد کاهش یافت.

د- خالص صادرات کالاها و خدمات: این متغیر به قیمت‌های ثابت ۱/۹ درصد کاهش یافت. هر چند صادرات و واردات کالاها و

پیشروزی

داشت که در این سال حدود ۶ درصد افزایش یافت.

علی‌رغم افزایش بی‌سابقه حجم سرمایه‌گذاری بخش دولتی در ساختمان به میزان ۲۲ درصد در سال ۱۳۶۹، فعالیت بخش خصوصی در سال مذکور با حدود ۳ درصد کاهش روبه‌رو بود.

از مجموع سرمایه‌گذاری در ساختمان‌های بخش خصوصی در سال مورد گزارش حدود ۷۳ درصد به مناطق شهری کشور اختصاص یافت که به قیمت‌های ثابت حدود ۱۰ درصد کاهش نشان می‌دهد در حالی که سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی با سهمی حدود ۲۷ درصد از رشد ۲۵ درصدی برخوردار گردید.

افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاری در ساختمان‌های مناطق روستایی کشور بیشتر معلول افزایش تسهیلات اعتباری بانک کشاورزی در زمینه‌های امور آبیاری، تسطیح اراضی، تأسیسات واحداث باغات می‌باشد. د- خالص صادرات کالاها و خدمات: صادرات با رشدی معادل ۲۰/۷ درصد و واردات نیز با رشدی معادل ۳۴/۷ درصد روبه‌رو بود و رشد خالص صادرات کالاها و خدمات ۶/۳ درصد بود. همچنین به قیمت‌های ثابت حدود ۹۷۸ میلیارد ریال مازاد داشت.

سال ۱۳۷۰

در سال ۱۳۷۰ هزینه ناخالص داخلی نیز با

می‌باشد.

در سال ۱۳۶۹ معادل ۹۵/۳ درصد از هزینه‌های مصرفی دولت از محل درآمد عمومی کشور و ۴/۱ درصد از محل درآمد شهرداری‌ها و ۰/۶ درصد از محل درآمد سازمان تأمین اجتماعی تشکیل یافته که به ترتیب از رشدهایی حدود ۱۲، ۱۱ و ۱۳ درصد برخوردار گردیدند.

ج- تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از رشدی حدود ۱۳ درصد برخوردار گردید و سهم آن در هزینه ناخالص داخلی از ۱۲/۴ به ۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۶۹ افزایش یافت. از مجموع تشکیل سرمایه ثابت ناخالص حدود ۵۶ درصد به تشکیل سرمایه بخش خصوصی و ۴۴ درصد به بخش دولتی اختصاص یافت که به ترتیب به قیمت‌های ثابت حدود ۲ و ۳۱ درصد رشد داشتند در حالی که در سال ۱۳۶۸ سهم بخش‌های خصوصی و دولتی به ترتیب حدود ۶۱ و ۳۹ درصد بسود. بررسی در اجزاء تشکیل‌دهنده تشکیل سرمایه بر حسب بخش‌های اقتصادی حاکی از آن است که بخش‌های کشاورزی و صنایع و معادن بالاترین میزان رشد در سرمایه‌گذاری ناخالص را به خود اختصاص داده‌اند.

سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و لوازم کسب و کار رشدی حدود ۳۱ درصد داشته است. سرمایه‌گذاری در ساختمان که طی سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۶۸ همواره سیر نزولی



سرمایه ثابت ناخالص همچنان به روند صعودی خود ادامه داده و با رشدی حدود ۴۱ درصد روبه رو بود. سهم آن در هزینه ناخالص داخلی از ۱۲/۶ به ۱۶ درصد در سال ۱۳۷۰ افزایش یافت. از مجموع تشکیل سرمایه ثابت ناخالص حدود ۵۸ درصد به بخش خصوصی و ۲۲ درصد به بخش دولتی اختصاص یافت که به ترتیب از ۴۸/۴ و ۳۱/۶ درصد رشد برخوردار گردید.

بررسی در اجزاء تشکیل دهنده تشکیل سرمایه برحسب گروه‌های اقتصادی مبین آن است که در سال ۱۳۷۰ حدود ۶۴ درصد از مجموع تشکیل سرمایه به گروه خدمات، ۲۴ درصد به گروه صنایع و معادن، ۶ درصد به گروه کشاورزی و ۶ درصد نیز به گروه نفت و گاز اختصاص یافته است که به ترتیب از رشدهایی معادل ۲۷/۹، ۸۵/۲، ۱۳/۹ و ۱۳۰/۲ درصد برخوردار گردیدند. سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و لوازم کسب و کار دارای افزایشی معادل ۶۹/۵ درصد بود و سهم آن از کل تشکیل سرمایه ثابت از حدود ۲۳ درصد در سال ۶۹ به حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۷۰ افزایش یافت.

سهم بخش‌های خصوصی و دولتی در سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و لوازم کسب و کار از حدود ۵۰ درصد در هر یک از دو بخش در سال ۱۳۶۹ به ترتیب به حدود ۶۳ و ۳۷ درصد در سال ۱۳۷۰ تغییر نمود و به ترتیب دارای رشدهایی معادل ۱۱۳/۶ و ۲۵/۱ درصد بودند.

توجه به افزایش قابل توجه GDP، معادل ۱۱/۴ درصد رشد نمود و کلیه اجزای تشکیل دهنده آن به خصوص تشکیل سرمایه ثابت از رشد چشمگیری برخوردار بوده‌اند.

الف- هزینه‌های مصرفی خصوصی: این متغیر از رشدی معادل ۹/۵ درصد برخوردار بود. برآوردهای انجام شده در اجزاء تشکیل دهنده هزینه‌های مصرفی خانوارهای کل کشور بیانگر آن است که در سال ۱۳۷۰ هزینه خوراک و آشامیدنی‌ها به قیمت‌های ثابت معادل ۹/۴ درصد کاهش داشته است و سهم آن از کل هزینه خانوارها به حدود ۳۸ درصد کاهش یافت. هزینه‌های مسکن، سوخت و روشنایی با رشدی معادل ۳۰/۶ درصد، حدود ۳۰ درصد کل هزینه‌های مصرفی خانوارهای کل کشور را به خود اختصاص داده است. همچنین ۱۲ درصد هزینه‌های مصرفی خانوارهای کل کشور به هزینه‌های مربوط به خرید کالاهای اساسی منزل اختصاص یافته است.

ب- هزینه‌های مصرفی دولتی: در سال ۱۳۷۰ هزینه‌های مصرفی دولت ۸/۵ درصد افزایش یافت و سهم آن در هزینه ناخالص داخلی از ۱۲/۲ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۱۱/۹ درصد رسید.

جبران خدمات کارکنان که حدود ۶۹ درصد هزینه‌های مصرفی دولتی را به خود اختصاص داده بود، معادل ۱۳/۴ درصد افزایش یافت و خرید کالاهای مصرفی حدود یک درصد کاهش یافت.

ج- تشکیل سرمایه ثابت ناخالص: تشکیل

بجشرو

رشد داشت. جبران خرید خدمات کارکنان دولت که حدود ۶۹ درصد از هزینه‌های مصرفی دولتی را به خود اختصاص داده بود معادل ۷/۶ درصد افزایش یافت. خرید کالاهای مصرفی با سهمی حدود ۳۱ درصد از هزینه‌های مصرفی دولت ۵/۸ درصد رشد نمود.

ج- تشکیل سرمایه ثابت ناخالص: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص همانند سال‌های گذشته ولی با شتاب کمتر همچنان به روند صعودی خود ادامه داد و با رشدی معادل ۶/۹ درصد به حدود ۲/۰۷۷ میلیارد ریال بالغ گشت و سهم آن در هزینه ناخالص داخلی در حدود سال قبل یعنی ۱۶ درصد باقی ماند.

سهم بخش‌های خصوصی و دولتی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از ۵۸/۵ و ۴۱/۵ درصد در سال ۱۳۷۰ به ترتیب به ۵۵ و ۴۵ درصد تغییر نمود و به قیمت‌های ثابت به ترتیب از رشدی معادل ۰/۶ و ۱۵/۸ درصد برخوردار شد.

بررسی اجزای تشکیل دهنده تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بر حسب گروه‌های مختلف اقتصادی، نشانگر آن است که در سال مورد گزارش حدود ۶۷ درصد از مجموع تشکیل سرمایه به گروه خدمات، حدود ۲۴ درصد به گروه صنایع و معادن، ۵ درصد به گروه کشاورزی و ۴ درصد به گروه نفت و گاز اختصاص یافت.

سهم بخش‌های خصوصی و دولتی در

سرمایه‌گذاری در ساختمان از رشدی معادل ۲۶/۶ درصد برخوردار گردید و سهم آن از کل تشکیل سرمایه ثابت از ۶۷ درصد در سال ۱۳۶۹ به حدود ۶۰ درصد در سال ۱۳۷۰ کاهش یافت.

در این سال حدود ۵۵ درصد از میزان سرمایه‌گذاری در ساختمان به بخش خصوصی و ۴۵ درصد به بخش دولتی اختصاص یافت که به ترتیب دارای رشدهایی معادل ۲۰/۲ و ۳۵/۴ درصد بودند.

د- خالص صادرات کالاها و خدمات: صادرات و واردات به ترتیب معادل ۱۲/۳ و ۲۹/۶ درصد رشد نمودند و خالص صادرات کالاها و خدمات به قیمت‌های ثابت حدود ۸۷۸ میلیارد ریال مازاد داشته است.

سال ۱۳۷۱

در سال ۱۳۷۱ هزینه ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت با رشدی معادل ۵/۷ درصد نسبت به سال قبل روبه‌رو بود.

الف- هزینه‌های مصرفی خصوصی: هزینه‌های مصرفی خصوصی رشدی معادل ۵/۳ درصد داشت. هزینه‌های مربوط به خوراک و آشامیدنی‌ها ۲/۹ درصد افزایش و هزینه‌های مسکن، سوخت و روشنایی از رشدی معادل ۱/۹ درصد برخوردار بود و سهم آن در هزینه‌های مصرفی خانوارهای کشور بالغ بر ۲۹/۴ درصد بود.

ب- هزینه‌های مصرفی دولتی: در سال ۱۳۷۱ هزینه‌های مصرفی دولت ۷ درصد



خالص مالیات‌های غیرمستقیم است. این امر از یک طرف در اثر کاهش مالیات‌های غیرمستقیم دولت و از طرف دیگر به دلیل افزایش بسیار شدید کمک‌های دولت، به وقوع پیوسته است.

الف- هزینه مصرفی بخش خصوصی: در مجموع بررسی‌ها حاکی از آن است که هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی و دولتی در سال مورد بررسی به ترتیب حدود $2/3$ و $17/3$ درصد رشد نموده‌اند و سهم هر یک از هزینه ناخالص داخلی به ترتیب حدود 68 و 14 درصد بوده است.

ب- تشکیل سرمایه ثابت ناخالص: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص $2/7$ درصد رشد داشته است. تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات در سطحی پایین‌تر از تشکیل سرمایه در ساختمان رشد نمود. رشد تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات نسبت به سال قبل، در سطح پایین‌تری قرار داشت. این تنزل عمدتاً به دلیل کاهش نسبی واردات در سال 1372 نسبت به سال قبل و به تسبیح آن کاهش واردات ماشین‌آلات سرمایه‌ای بوده است.

در این سال موجودی انبار از کاهشی شدید به میزان 89 درصد برخوردار بود، این امر را می‌توان نشانه‌ای از فشار تقاضا بر فعالیت‌های اقتصادی و محدودیت منابع اقتصادی کشور تلقی نمود.

ج- خالص صادرات کالاها و خدمات: این متغیر $64/4$ درصد رشد نمود و سهم آن از هزینه ناخالص داخلی از حدود 8 درصد در سال‌های قبل به حدود 14 درصد رسیده

سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و لوازم کسب و کار از حدود 63 درصد و 37 درصد در سال 1370 به ترتیب به حدود 60 و 40 درصد تغییر نمود و به ترتیب از رشدی معادل $2/5$ و $19/7$ درصد برخوردار گردید.

در سال 1371 سرمایه‌گذاری در ساختمان به قیمت‌های ثابت معادل $5/6$ درصد رشد داشت و سهم آن از کل تشکیل سرمایه ثابت از حدود 60 درصد در سال 1370 به حدود 59 درصد در سال 1371 کاهش یافت. همچنین حدود 52 درصد از حجم سرمایه‌گذاری در ساختمان به بخش خصوصی و 48 درصد به بخش دولتی اختصاص یافت که به ترتیب دارای کاهشی معادل $0/9$ درصد و افزایشی معادل $13/7$ درصد بوده است.

د- خالص صادرات کالاها و خدمات: در سال 1371 صادرات با رشدی معادل $7/5$ درصد و واردات با کاهشی معادل $1/4$ درصد رو به رو بودند در نتیجه خالص صادرات کالاها و خدمات با رشدی معادل $24/3$ درصد مواجه بود. همچنین خالص صادرات کالاها و خدمات حدود 1091 میلیارد ریال مازاد داشت.

سال 1372

در سال 1372 هزینه ناخالص داخلی از رشد ملایمی حدود $1/6$ درصد برخوردار بوده است. در حالی که GDP واقعی به قیمت بازار حدود 5 درصد رشد داشته است. تفاوت قابل توجه نرخ رشد تولید ملی و هزینه ملی ناشی از کاهش قابل توجه

مختصر

است. در عین حال معادل ۱۷۹۳ میلیارد ریال مازاد داشته است.

سال ۱۳۷۳

در سال ۱۳۷۳ هزینه ناخالص داخلی معادل ۰/۷ درصد رشد نمود. اختلاف بین GDP واقعی به قیمت بازار و هزینه ناخالص داخلی ناشی از کاهش خالص مالیات‌های غیرمستقیم می‌باشد.

بررسی اجزاء هزینه ناخالص داخلی نشان می‌دهد که حدود ۸۴ درصد از این هزینه‌ها، بعد مصرفی دارد که در مقایسه با سال قبل از آن بیانگر افزایش سهم هزینه‌های مصرفی در کل هزینه ناخالص داخلی است.

الف- هزینه‌های مصرفی خصوصی: هزینه‌های مصرفی خصوصی به قیمت‌های ثابت ۲/۲ درصد رشد داشت که مهم‌ترین عامل این رشد هزینه‌های مربوط به خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و بهداشت و درمان بوده است.

بررسی دقیق‌تر اجزای هزینه‌های مصرفی خصوصی نشان می‌دهد که رشد این هزینه‌ها در مورد مناطق شهری با ۱/۲ درصد کاهش و در مورد مناطق روستایی با ۱۱/۷ درصد افزایش رو به رو بوده است.

ب- هزینه‌های مصرفی دولتی: هزینه‌های مصرفی دولتی ۴/۳ درصد رشد داشت که ناشی از افزایش همزمان خرید خدمات کارکنان دولت و خرید کالاهای مصرفی

دولت بوده است.

ج- تشکیل سرمایه ثابت ناخالص: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال ۱۳۷۳ از رشدی معادل ۳/۴ درصد برخوردار شد که حاکی از افزایش نرخ رشد این متغیر نسبت به سال ۱۳۷۲ می‌باشد و عمدتاً ناشی از افزایش تشکیل سرمایه در ساختمان خصوصاً ساختمان بخش خصوصی به میزان ۸ درصد بوده است.

تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات تنها ۰/۲ درصد رشد نمود که آن هم به دلیل رشد تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات دولتی بوده است. در حالی که تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات بخش خصوصی ملی این دوره کاهش داشته است.

د- خالص صادرات کالاها و خدمات: صادرات و واردات کالاها و خدمات به قیمت‌های ثابت به ترتیب با ۱/۳ درصد رشد و ۳۹/۷ درصد کاهش همراه بود که در نتیجه خالص صادرات به قیمت‌های ثابت به ۲,۳۷۴ میلیارد ریال رسید و سهم خالص صادرات از هزینه ناخالص داخلی به رقم بی‌سابقه ۱۸ درصد رسیده و رشدی معادل ۳۲/۴ داشته است.

سال ۱۳۷۴

بررسی اجزای هزینه ناخالص داخلی در سال ۱۳۷۴ نشان می‌دهد که هزینه‌های مصرفی به قیمت‌های ثابت رشد ملایم ۲/۶ درصدی داشته است. در این سال سهم



سال ۱۳۷۵

طبق آمار مقدماتی بانک مرکزی هزینه ناخالص داخلی معادل ۵/۹ درصد رشد داشت. سهم هزینه‌های مصرفی دولتی در همان حد سال قبل و سهم هزینه‌های مصرفی خصوصی به ۶۶/۳ درصد کاهش یافت.

الف- هزینه‌های مصرفی خصوصی: این متغیر ۳/۱ درصد رشد داشت که مهم‌ترین عامل رشد آن مربوط به خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و حمل و نقل بوده است.

ب- هزینه‌های مصرفی دولتی: در این سال علی‌رغم ثابت ماندن سهم آن در حد ۱۴/۲ درصد، رشدی معادل ۶ درصد داشت که دو برابر سال قبل بوده است.

ج- تشکیل سرمایه ثابت ناخالص: این متغیر از رشدی معادل ۷/۴ درصد برخوردار بود که حاکی از افزایش نرخ رشد این متغیر نسبت به سال قبل بود. سهم آن در هزینه ناخالص داخلی بالغ بر ۱۶/۹ درصد می‌شد که تغییر محسوسی نسبت به قبل نداشت.

د- خالص صادرات کالاها و خدمات: روند کاهنده این متغیر شدت بیشتری یافت به طوری که ۷/۵ درصد کاهش یافت و سهم آن نیز به ۱۴/۴ درصد رسید.

سال ۱۳۷۶

با توجه به کاهش قیمت جهانی نفت و اثرگذاری شدید آن بر اجزای تقاضای کل به نظر می‌رسد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و هزینه‌های مصرفی دولتی کاهش محسوسی یابند. این امر منجر به تعمیق

هزینه‌های مصرفی در کل هزینه ناخالص داخلی به ۸۲/۴ درصد رسید که در مقایسه با سال قبل ۱/۲ درصد کاهش یافت.

الف- هزینه‌های مصرفی خصوصی: این متغیر نسبت به سال قبل ۲/۶ درصد افزایش یافته و به ۹۳۵۷/۶ میلیارد ریال رسید. مهم‌ترین عامل رشد هزینه‌های مصرفی خصوصی رشد قابل توجه هزینه‌های مصرفی در بخش حمل و نقل و سایر کالاها و خدمات بوده است.

ب- هزینه‌های مصرفی دولتی: هزینه‌های مصرفی دولتی در سال مورد بررسی ۳ درصد رشد داشت که نسبت به سال قبل کمتر بوده است.

ج- تشکیل سرمایه ثابت ناخالص: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال ۱۳۷۴ با ۳/۷ درصد رشد روند مثبتی نسبت به سال قبل نشان می‌دهد. این رشد عمدتاً ناشی از افزایش تشکیل سرمایه در ساختمان خصوصاً بخش دولتی به میزان ۵/۶ درصد می‌باشد.

تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات نسبت به سال قبل با رشد فزاینده و مثبت ۱/۹ درصدی عملکرد بهتری نشان داد که ناشی از بهبود وضعیت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین‌آلات بخش خصوصی بوده است.

د- خالص صادرات کالاها و خدمات: صادرات و واردات به قیمت‌های ثابت به ترتیب با ۱۹/۸ و ۵/۴ درصد کاهش همراه بود و خالص آن از ۲,۳۷۲/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ به ۲,۲۶۸/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۴ رسید که کاهش ۴/۵ درصدی را نشان می‌دهد.

پیشرو

شاید این سؤال به ذهن خطور کند که لزوم تشخیص وضعیت حاکم بر اقتصاد، در سال ۱۳۷۶ و در حال حاضر چیست؟ اصولاً رکود اقتصادی زمانی خطرناک است که منجر به بحران بشود و رکودهای گذرا خیلی مشکل را نیستند. پس به منظور اجتناب از تعمیق رکود یا وقوع بحران در اقتصاد، شایسته است شرایط رکود اقتصادی دقیقاً بررسی گردد تا در صورت بروز رکود سریعاً سیاست‌های مناسب اقتصادی در جهت مقابله با آن اتخاذ گردد. در ادامه، تعدادی از شاخص‌هایی که می‌توانند در شناسایی شرایط رکود یا رونق اقتصادی دوره ۱۳۶۸ - ۱۳۷۶ مفید واقع شوند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۳-۱- بازار بورس اوراق بهادار: در بسیاری از کشورها بازار سهام به عنوان آینه اقتصاد تلقی می‌شود و غالب تغییرات اقتصادی را می‌توان از طریق نوسانات بازار سهام مشاهده نمود. این مسئله شاید تا حدودی در مورد اقتصاد ایران نیز صادق باشد.

رکود خواهد شد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که سهم هزینه‌های مصرفی دولتی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نیز با توجه به ترکیب آنها کاهش و سهم هزینه‌های مصرفی خصوصی افزایش یابد.

همچنین وضعیت جدید بازار جهانی نفت می‌تواند خالص صادرات را در مقایسه با قبل کاهش دهد.

۳-۳- شاخص‌های تعیین‌کننده شرایط رکود یا رونق اقتصادی

همان‌گونه که در بخش‌های قبلی اشاره شد، بهترین روش برای اظهارنظر در مورد وقوع رکود یا رونق اقتصادی، استفاده از متغیر GDP واقعی می‌باشد، لیکن به لحاظ آن‌که داده‌های مربوط به این متغیر در ایران به صورت ماهانه و فصلی در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ موجود نمی‌باشد، لذا به ناچار شاخص‌های دیگری مورد بررسی قرار می‌گیرند. البته استفاده از این شاخص‌ها نیز منوط به وجود آمار و اطلاعات ماهانه و یا فصلی خواهد بود.

جدول ۳-۳- وضعیت بازار بورس اوراق بهادار تهران ۱۳۶۸-۱۳۷۶

سال	متغیر								
	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸
قیمت سهام ۱۳۶۸-۱۰۰	۱۶۵۳	۱۹۳۷	۱۵۴۹	۶۹۴	۴۰۳	۴۳۵	۴۷۲	۱۸۹	۱۰۰
	-۱۴/۷	۲۵	۱۲۴/۲	۷۲/۲	-۷/۴	-۷/۸	۱۵۰	۸۹	-
حجم معاملات (میلیارد ریال)	۲۰۱۸	۲۳۹۱	۱۸۸۱	۷۹۳	۵۱۶	۳۵۲	۲۷۸	۶۵	۱۱
	-۵۳/۹	۱۳۳	۱۳۷/۲	۵۳/۷	۴۶/۶	-۲۶	۶۳۵	۲۹۱	۱۰

با بررسی آمار مربوط به حجم معاملات و شاخص قیمت سهام در بازار بورس اوراق بهادار تهران می‌توان گفت این بازار همگام با حرکت کلی اقتصاد در سال ۱۳۶۸ دور جدیدی از فعالیت خود را آغاز نمود و طی دوره ۱۳۶۸ - ۱۳۷۵ با اندک نوساناتی (در سال ۱۳۷۱ و تا حدودی سال ۱۳۷۲) از رونق برخوردار بوده است. اما متأسفانه از اواخر سال ۱۳۷۵ رکود شدیدی بر بازار سهام ایران حاکم گردید، این رکود تا آخر سال ۱۳۷۶ نیز استمرار داشت، به طوری که حجم معاملات و شاخص قیمت سهام طی این سال به ترتیب ۵۳/۹ و ۱۴/۷ درصد کاهش نشان می‌دهند. متأسفانه این روند رکودی در سه ماهه ابتدای سال ۱۳۷۷ نیز تداوم داشته است.

۳-۲-۳- بخش ساختمان: بخش ساختمان طی دوره ۱۳۶۸ - ۱۳۷۵ به طور متوسط ۳/۹ درصد GDP واقعی را به خود اختصاص داده است، ولی علی‌رغم این سهم اندک در GDP واقعی در بسیاری از موارد می‌تواند تصویرگر خوبی از وضعیت رکود یا رونق حاکم بر اقتصاد باشد. به منظور لحاظ نمودن حجم فعالیت بخش ساختمان، متغیرهای زیادی نظیر: ارزش افزوده بخش ساختمان، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان‌های جدید، هسمچنین ساختمان‌های شروع شده، تکمیل شده و فروش رفته بر حسب تعداد و سطح زیر بنا می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

به استناد آمارهای ارائه شده توسط

وزارت مسکن و شهرسازی، برخلاف سال‌های ۱۳۷۳ الی ۱۳۷۵ که جزء سال‌های پررونق بخش مسکن بوده، در سال ۱۳۷۶ بازار مسکن تا حدود زیادی رکود بود. آمار مربوط به پروانه‌های ساختمانی صادر شده، تعداد و سطح زیربنای ساختمان‌های شروع شده و تکمیل شده، زیربنای ساخت و قیمت مسکن و زمین در نیمه اول سال ۱۳۷۶ همگی حاکی از کاهش فعالیت‌ها و رکود در این بازار است.

تعداد پروانه‌های ساختمانی صادره توسط شهرداری‌ها در ۶ ماه نخست سال ۱۳۷۶ حدوداً ۲/۷ درصد افزایش یافت، اما مساحت زیربنای این ساختمان‌ها حدود ۵/۴ درصد کاهش و تعداد واحدهای مسکونی پیش‌بینی شده در این پروانه‌ها معادل ۴/۶ درصد تقلیل یافت. به علاوه تعداد پروانه‌های ساختمانی صادره در ماه‌های مختلف نیمه نخست سال ۱۳۷۶ بیانگر نوسان‌های شدیدی از تقاضای صدور پروانه ساخت است که عدم اطمینان و ناپایداری در بازار ساخت و ساز مسکن را نشان می‌دهد. همچنین گرایش به سمت ساخت و ساز واحدهای بزرگ‌تر با تعداد طبقات کمتر تشدید شده است. این مطلب به معنای توجه کمتر به ساخت و سازهای کوچک و ارزان قیمت در قیاس با ساختمان‌های بزرگ و پرهزینه است، که البته علت اساسی آن احتمالاً تشدید اختلاف طبقاتی در جامعه و افت بیشتر قدرت خرید طبقات کم‌درآمد برای خرید مسکن می‌باشد.

همچنین آمار معاملات انجام شده روی

بجشروز

جدول ۳-۴- موازنه پرداخت‌ها (۱۳۶۸ - ۱۳۷۶) (میلیون دلار)

شرح	سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	سه‌ماهه اول ۱۳۷۶	سه‌ماهه اول ۱۳۷۶*
		حساب جاری	-۱۹۱	۳۲۷	-۹۴۴۸	-۶۵۰۴	-۴۲۱۵	۲۹۵۶	۲۳۵۸	۵۳۶۱	۱۲۴۳
حساب سرمایه	۳۲۶۱	۲۹۵	۶۰۳۲	۴۶۹۹	۵۵۶۳	-۷۷۴	-۴۲۱	-۵۶۷۹	-۲۴۵	-۱۰۳۸	
تغییرات نرخ ارز و اشیاهات آماری	-۷۴۰	-۹۲۲	۱۳۱۹	۱۶۳۹	-۱۱۱۶	-۳۶۸۸	۲۰۲	۲۶۶۴	-۳	۴۰۵	
موازنه کل (تغییر ذخایر ارزی)	۲۳۳۰	-۳۰۰	-۲۰۹۷	-۱۶۶	۲۳۲	۹۲۱	۲۸۶۸	۲۳۴۶	۷۹۵	-۳۵۳	

* برآورد.

ایجاد مازاد یا کاهش کسری حرکت می‌نماید. لذا در نهایت رونق اقتصادی می‌تواند بهبود وضعیت تراز پرداخت‌ها را به دنبال داشته باشد.

در شرایط رکود اقتصادی عمدتاً فرایند بالا به صورت معکوس عمل می‌کند، یعنی تراز پرداخت‌ها در جهت افزایش کسری و یا کاهش مازاد سوق پیدا می‌کند. البته این نتیجه‌گیری در همه موارد صادق نمی‌باشد و متغیرهای دیگری نظیر نرخ ارز، سیاست‌های ارزی و بازرگانی و ... می‌توانند در این راستا ابفای نقش کنند.

با مروری کوتاه بر وضعیت تراز پرداخت‌ها طی دوره ۱۳۶۸ - ۱۳۷۶ ملاحظه می‌گردد تراز پرداخت‌ها در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ سیر نزولی طی نمود، لیکن پس از آن دارای روند افزایشی گردید و غالباً همراه با مازاد بود. اما متأسفانه

۱. به طور کلی تراز پرداخت‌ها از دو جزء اصلی حساب جاری و حساب سرمایه تشکیل شده است.

زمین و مسکن بیانگر کاهش معاملات و قیمت‌ها در نیمه نخست سال ۱۳۷۶ بوده است. بر اساس اطلاعات ارائه شده توسط دفاتر معاملات املاک، در ۶ ماهه نخست سال گذشته، حدوداً ۱۵ درصد از حجم معاملات مسکن نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن کاسته شده است.

۳-۳-۳- تراز پرداخت‌ها: از دیگر شاخص‌های تصویرکننده شرایط رونق و رکود اقتصادی هر کشور وضعیت تراز پرداخت‌هاست.^۱ بدین معنا که غالباً در حالت رونق اقتصادی شرایط تولید و صادرات کالاها و خدمات مطلوب بوده و به شرط اجتناب از افزایش شدید واردات کشور می‌تواند دارای مازاد تراز جاری بشود و در صورتی که تراز جاری دچار کسری باشد، کسری آن کاهش می‌یابد. به علاوه، در وضعیت رونق اقتصادی تمایل خارجیانی برای سرمایه‌گذاری در کشور افزایش می‌یابد و جزء حساب سرمایه نیز به سمت

جدول ۳-۵- شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی (۱۳۶۹-۱۰۰)

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	سه‌ماهه اول ۱۳۷۶
شاخص	۷۷/۳	۱۰۰	۱۱۹	۱۲۰/۶	۱۲۱/۳	۱۲۹/۴	۱۳۸/۱	۱۴۵/۱
نرخ رشد (درصد)	—	۲۹/۴	۱۹	۱/۳	۰/۶	۶/۷	۶/۷	۵/۱

کلیه سال‌ها یکسان نبوده، اما متأسفانه این جریان افزایشی در سه‌ماهه اول سال ۱۳۷۶ متوقف گردیده است.

۴- بررسی علل و ریشه‌یابی رکود

پس از ارائه یک تصویر کلی از نماگرهای اقتصادی تعیین‌کننده شرایط رکود یا رونق اقتصادی می‌توان به بررسی علل و ریشه‌یابی رکود اخیر اقدام نمود. برای رسیدن به این هدف سعی شده با عنایت به مباحث تئوریک موجود در زمینه رکود اقتصادی متغیرهایی در نظر گرفته شوند، لیکن به دلیل محدودیت اطلاعات و آمار فقط تعدادی از آنها مورد بررسی قرار گرفتند. در این راستا دو گروه متغیرهای اقتصادی و غیراقتصادی مطرح می‌باشند، که در ادامه فهرست‌وار معرفی می‌شوند.

متغیرهای اقتصادی

- ۱- دریافتی‌های ارزی حاصل از صادرات نفت: این متغیر به دلیل وابستگی شدید اقتصاد ایران به بخش نفت اهمیت ویژه‌ای دارد و بسیاری از متغیرهای کلان اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در سه‌ماهه اول سال ۱۳۷۶ تراز پرداخت‌ها علاوه بر طی نمودن روند نزولی به میزان ۳۵۳ میلیون دلار دچار کسری گردید.

۳-۳-۴- شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی: یکی از شاخص‌های اساسی

سنجش شرایط رونق یا رکود حاکم بر اقتصاد برررسی تولیدات صنعتی است، هرچه نقش صنعت در اقتصاد کشور بیشتر باشد اهمیت این معیار افزایش می‌یابد. اگرچه در اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵ بخش صنعت و معدن به‌طور متوسط تنها ۱۴/۳ درصد از کل ارزش افزوده را به‌خود اختصاص داده است، لیکن بررسی عملکرد این بخش در تحلیل شرایط اقتصادی کاربرد وسیعی دارد. به‌عنوان نماینده تولیدات صنعتی کشور می‌توان از شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی استفاده نمود. روند حرکت این شاخص طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵ در جدول ۳-۵ ارائه شده است.

با عنایت به جدول بالا مشخص می‌گردد که میزان تولید در کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵ سیر صعودی داشته است. اگرچه این روند روبه‌رشد در

پیشرو

۶- بازار بورس اوراق بهادار: یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد، بازارهای مالی است که در بین آنها بازار سهام بهترین شاخص تحلیل فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد.

۷- بخش ساختمان: بخش ساختمان بیش از سایر بخش‌های تولیدی اقتصاد از رکود تأثیر پذیرفته و بر آن اثر می‌گذارد.

متغیرهای غیراقتصادی

۱- اثرات تصویب قانون کار جدید بر اشتغال: یکی از مهم‌ترین شاخص‌های نمایانگر رکود، اشتغال است. سیر نزولی اشتغال در کارگاه‌های بزرگ صنعتی پس از تصویب قانون شوراها و اسلامی کار در سال ۱۳۶۹ اهمیت این متغیر غیر اقتصادی را در رکود نشان می‌دهد.

۲- رویدادهای سیاسی: از جمله ویژگی‌های اقتصاد ایران این است که همواره در طول تاریخ دچار تب و تاب و تحولات سیاسی بوده و هر بار به تولید ضربه وارد آمده است. چنین به نظر می‌رسد که انتخابات ریاست جمهوری از جمله مهم‌ترین وقایع سیاسی است که در سال ۱۳۷۶ بیشترین تنش را در فعالیت‌های اقتصادی ایجاد نموده است.

۳- کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصاد ایران وابستگی آن به درآمد حاصل از صادرات

۲- سرمایه‌گذاری بخش خصوصی: یکی از دلایل اصلی افول رشد اقتصادی در سال ۱۳۷۶ به دلیل پایین بودن سهم سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص از کل هزینه‌های ناخالص است. این نسبت در دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵ حدوداً ۱۶ درصد بوده است.

۳- وضعیت بودجه: از آنجا که دولت سهم عمده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی دارد، لذا بررسی ساختار درآمدی و هزینه‌ای بودجه دولت می‌تواند در ریشه‌یابی رکود یا رونق اقتصادی نقش بسزایی ایفا نماید.

۴- تراز پرداخت‌ها: بحران بدهی‌های خارجی کشور در سال ۱۳۷۲ به دلیل فزونی واردات بر صادرات در اغلب سال‌های برنامه اول اهمیت بررسی موازنه پرداخت‌ها را گوشزد می‌نماید. همچنین سیاست‌های تحدید واردات به دلیل بازپرداخت بدهی‌های خارجی منجر به کاهش فعالیت در بخش‌های تولید بالاخص صنعت شده است.

۵- نقدینگی بخش خصوصی: نقدینگی جامعه در بروز تورم و رکود اقتصادی بسیار مؤثر است، یعنی رشد بی‌رویه آن تورم‌زاست و کنترل شدید آن نیز در کوتاه‌مدت پیامدهای رکودی به دنبال خواهد داشت. به همین لحاظ بررسی روند حرکت این متغیر برای ریشه‌یابی رکود اقتصادی اهمیت بسزایی خواهد داشت.



به طوری که به غیر از سال ۱۳۶۸ که به دلیل پایان یافتن جنگ، هزینه های دفاعی کاهش یافته، در بقیه سالها متناسب با رشد (مثبت) درآمدهای نفتی، حرکت نموده است. هزینه های دولت با افزایش درآمدهای نفتی افزایش می یابد ولی در هنگام کاهش این درآمدها، هزینه های دولت از ثبات نسبی برخوردار شده و کاهش این هزینه ها به مراتب کمتر از میزان کاهش درآمد نفت است. واردات کشور نیز نوسانی مشابه نوسان درآمدهای نفتی داشته است. به طوری که در سال های ۱۳۷۰-۱۳۷۲ نرخ کاهش آن بسیار شدید بوده و در سال ۱۳۷۳ به حداقل رسیده است. این نوسان در واردات اولاً، باعث افزایش نرخ تورم شده و ثانیاً، تولید بخش صنعت که وابستگی بیشتری نسبت به سایر بخش ها به خراج دارد را کاهش داده است. به طوری که نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن نیز با نوسان قیمت و واردات نوسان بیافته و در سالهایی مثل

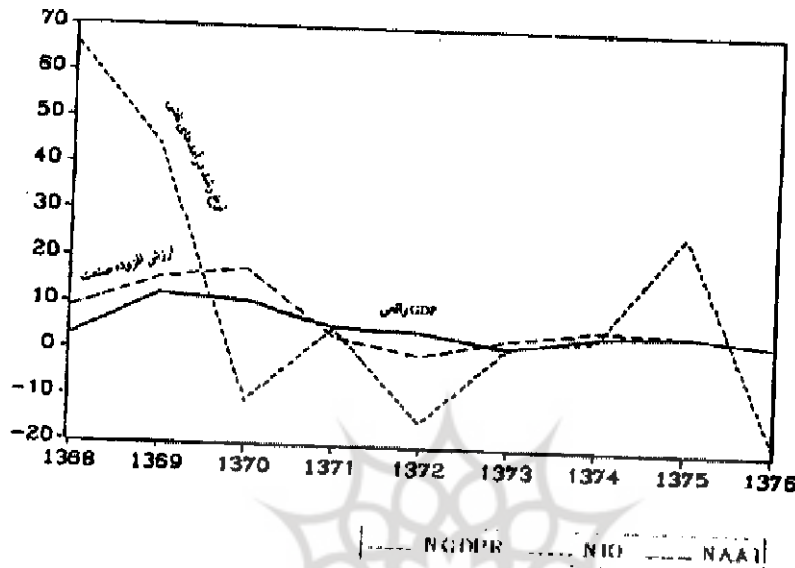
نسفت است. به گونه ای که در دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۶ به طور متوسط ۸۵/۵ درصد از ارزش کل صادرات ناشی از صدور نفت و گاز بوده، بدین لحاظ می تواند کلیه ارکان اقتصاد و متغیرهای کلان اقتصادی نظیر GDP واقعی، سرمایه گذاری، مخارج دولت، واردات و ... را تحت تأثیر قرار دهد. بررسی و مقایسه نرخ رشد GDP واقعی و درآمدهای نفتی نشانگر وجود رابطه مستقیم و تنگاتنگ بین این دو متغیر است. جدول شماره ۴-۱ و نمودار ۳ مشخص می کند که همواره افزایش درآمدهای نفتی باعث افزایش نرخ رشد GDP واقعی گردیده و کاهش آن سبب کاهش نرخ رشد GDP واقعی و رکود اقتصادی شده است. جالب تر این که در سالهای رکود، فاصله بین این دو نرخ رشد کم شده و در سالهای رونق افزایش یافته است. متغیر دیگری که همسویی شدیدی با درآمد نفتی دارد، هزینه های دولت است.

جدول ۴-۱- نرخ رشد GDP واقعی، درآمدهای نفتی، سرمایه گذاری، هزینه های دولت، واردات و ارزش افزوده صنعت و معدن

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	شرح
نرخ رشد GDP واقعی	۳	۱۲/۱	۱۰/۹	۵/۵	۴/۸	۱/۶	۴/۵	۵/۲	۳/۲	نرخ رشد GDP واقعی
نرخ رشد درآمدهای نفتی	۶۵/۶	۴۳	-۱۱	۵/۴	-۱۵	۱/۹	۳/۷	۲۷/۳	-۱۸	نرخ رشد درآمدهای نفتی
نرخ رشد سرمایه گذاری	۶/۴	۱۳/۳	۴۰/۹	۶/۹	۲/۷	۳/۴	۳/۷	۷/۴	-	نرخ رشد سرمایه گذاری
نرخ رشد هزینه های دولت	-۱۴/۸	۱۲/۴	۸/۵	۷	۱۷/۳	۲/۳	۳/۱	۶	-	نرخ رشد هزینه های دولت
نرخ رشد واردات	-	۲۷/۹	۵۲	-۷/۶	-۱۷/۲	-۳۴/۵	۱/۲	۱۷/۲	-	نرخ رشد واردات
نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن	۸/۸	۱۵/۶	۱۷/۷	۳/۳	-۰/۳	۴/۵	۵/۸	۵/۲	-	نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن

بجشورق

نمودار ۳- نرخ رشد درآمد های نفتی، GDP واقعی و ارزش افزوده صنعت (۱۳۶۸-۱۳۷۶)



نمودار ۳- نرخ رشد درآمد های نفتی، GDP واقعی و ارزش افزوده صنعت (۱۳۶۸-۱۳۷۶)

یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی، موجودی سرمایه می باشد. ناگفته پیداست تشکیل سرمایه عمدتاً از طریق سرمایه گذاری های بخش خصوصی شکل می گیرد. با توجه به این نکته می توان نتیجه گرفت: افول رشد اقتصادی در سال ۱۳۷۶ تا حدود زیادی ناشی از حجم اندکی سرمایه گذاری در سال های قبل بوده است. نرخ رشد اقتصادی را با استفاده از رابطه بسیار ساده ای به صورت تقسیم سهم سرمایه گذاری از تولید ناخالص داخلی به نسبت سرمایه به تولید می توان به طور تقریبی برآورد نمود. با استفاده از جدول

I. Capital Output Ratio

۱۳۷۲-۱۳۷۵ رکود را دامن زده و باعث افزایش نرخ بیکاری شده است. با توجه به آمار سال ۱۳۷۶ در مورد کاهش درآمد های نفتی به میزان ۱۸ درصد نسبت به سال ۱۳۷۵ و با عنایت به همسوی بودن متغیر های GDP، سرمایه گذاری، هزینه های دولت، واردات و تولید صنعت با درآمد های نفتی، کاهش اشتغال، افزایش بیکاری، کمتری بودجه شدید، کاهش تولیدات صنعتی و... در سال ۱۳۷۶ طبیعی می باشد. چنین رخداد هایی باعث تعمیق رکود خواهند شد.

۲-۴ سرمایه گذاری بخش خصوصی اکثر قریب به اتفاق اقتصاددانان معتقدند



۱۳۷۶ نسبت به مدت مشابه سال قبل بیش از ۲۰ درصد کاهش یافته است.

با توجه به تنزل قیمت جهانی نفت در اواخر سال ۱۳۷۶، درآمد حاصل از نفت و گاز در بودجه در سطحی پایین تر از مقدار مصوب آن قرار گرفت. آنچه مشخص است در سال ۱۳۷۶ دولت حدوداً به میزان ۸ هزار میلیارد ریال کسری بودجه داشت که علت اصلی آن عدم تحقق برخی درآمدها بالاخص درآمد نفت ناشی از کاهش قیمت جهانی و صادرات کمتر از پیش بینی بود.

تقلیل درآمدهای بودجه، سبب بروز مشکلاتی در پرداختها شد و دولت برای جلوگیری از افزایش کسری بودجه ناگزیر هزینهها را تا حدودی کنترل نمود. بخش عمده کنترل هزینهها توسط دولت به هزینههای عمرانی و سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی مربوط می‌شود که می‌تواند یکی از عوامل کندشدن فعالیت‌های اقتصادی در چندماه اخیر به حساب آید.

ب- درآمدهای مالیاتی: طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵ مالیات‌ها به‌طور متوسط معادل $\frac{4}{8}$ درصد GDP و ۲۸ درصد از کل دریافتی‌های بودجه بوده‌اند. این نسبت‌ها در مقایسه با کشورهای صنعتی و حتی بسیاری از کشورهای در حال توسعه در سطح بسیار نازلی قرار دارد و افزایش آن در سال‌های آتی امری ضروری به‌نظر می‌رسد، اما در

۱. اغلب اقتصاددانان توسعه حداقل نسبی را که برای سهم سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص از کل هزینه‌های ناخالص داخلی توصیه می‌کنند ۲۵ درصد است، حال آن‌که همان‌گونه که اشاره شد این نسبت در سال‌های اخیر به‌طور متوسط ۱۶ درصد بوده است.

شماره ۳-۲ ملاحظه می‌گردد، سهم سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص از کل هزینه‌های ناخالص در دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵ حدوداً ۱۶ درصد بوده است. همچنین نسبت سرمایه به تولید نیز در اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر حدوداً ۵ برآورد شده است. در نتیجه می‌توان پیش‌بینی نمود، متوسط نرخ عادی رشد اقتصادی با روند فعلی سرمایه‌گذاری حدوداً $\frac{3}{2}$ درصد می‌باشد ($\frac{3}{2} = \frac{16}{5}$) یعنی به خوبی می‌توان رکود اقتصادی اخیر را ناشی از قلت سرمایه‌گذاری در سال‌های قبل دانست.^۱

۳-۴- وضعیت بودجه

از عوامل دیگری که در سال ۱۳۷۶ باعث کند شدن حرکت اقتصاد گردید ترکیب درآمدی بودجه است که در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. متنی قبل از تحلیل مطالب شایسته است اقلام درآمدی بودجه طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۶ مرور شوند.

الف- درآمد حاصل از نفت و گاز: در طول دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵ درآمد نفت و گاز به‌طور متوسط ۶۱ درصد از کل درآمدهای دولت را به خود اختصاص داده است. یعنی همواره نقش قابل ملاحظه‌ای در تأمین درآمدها برعهده داشته و دارد. چنانچه در جدول بالا مشاهده می‌شود درآمد نفت و گاز در سه‌ماهه اول سال ۱۳۷۶ نسبت به مدت مشابه سال قبل فقط $\frac{1}{9}$ درصد رشد نموده است. بدین معنا که اگر تورم $\frac{23}{2}$ درصدی سال ۱۳۷۵ نیز در نظر گرفته شود، می‌توان استنباط نمود درآمد واقعی حاصل از نفت و گاز در سه‌ماهه نخست سال

پیشرو

جدول ۲-۴- اجزای درآمدی بودجه دولت (۱۳۶۸-۱۳۷۶) (میلیارد ریال)

شرح	سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	سه‌ماهه اول ۱۳۷۶	۱۳۷۶
نفت و گاز	۱۳۸۸	۳۳۶۹	۳۵۴۴	۵۱۴۱	۱۲۶۸۳	۲۱۴۸۰	۲۶۶۶۳	۳۲۷۴۶	۷۰۰۸	-	
مالیات‌ها	۱۱۸۸	۱۶۹۵	۲۷۶۵	۳۷۷۶	۴۰۶۱	۵۴۹۱	۷۳۱۳	۱۲۵۶۰	۴۰۴۱	۱۷۳۴۴	
سایر درآمدها	۴۹۹	۵۶۹	۶۲۴	۹۶۸	۱۵۰۷	۲۲۷۴	۷۵۹۶	۱۱۹۷۰	۲۲۲۸	-	
کل درآمدها	۳۱۷۵	۵۶۳۳	۶۹۳۳	۹۸۸۵	۲۰۲۵۱	۲۹۲۴۵	۴۱۵۷۵	۵۷۲۷۶	۱۳۲۷۷	-	

جدول ۳-۴- حساب جاری تراز پرداخت‌ها (۱۳۶۸-۱۳۷۶) (میلیون دلار)

صادرات	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	سال ۱۳۷۶
صادرات نفت	۱۱۹۹۳	۱۶۶۱۵	۱۶۰۱۲	۱۶۸۸۰	۱۴۲۳۳	۱۴۶۰۳	۱۵۱۰۳	۱۹۲۷۱	۱۵۷۰۰
صادرات غیر نفتی	۵۸۹	۹۲۲	۲۶۴۹	۲۹۸۸	۳۷۴۷	۴۸۳۱	۳۲۵۷	۳۲۲۵	۳۱۰۰
صادرات کالا	۱۲۵۸۲	۱۷۵۳۷	۱۸۶۶۱	۱۹۸۶۸	۱۸۰۸۰	۱۹۴۳۴	۱۸۳۶۰	۲۲۴۶۶	۱۸۸۰۰
واردات کالا	۱۲۹۲۹	۱۶۵۶۲	۲۵۱۹۰	۲۳۲۷۴	۱۹۲۷۸	۱۲۶۱۷	۱۲۷۷۴	۱۴۹۷۳	۱۵۰۰۰
تراز بازرگانی	-۳۶۷	۹۷۵	-۶۵۲۹	-۳۴۰۶	-۱۲۰۷	۶۸۱۸	۵۵۸۶	۷۵۲۳	۳۸۰۰
خالص خدمات	-۲۳۲۴	-۳۱۴۸	-۴۹۱۹	-۵۰۹۴	-۴۵۰۸	-۳۰۵۹	-۲۲۲۴	-۲۶۲۵	-
اثر انتقال	۲۵۰۰	۲۵۰۰	۲۰۰۰	۱۹۹۶	۱۵۰۰	۱۱۹۸	-۴	۴۶۳	-
حساب جاری	-۱۹۱	۳۲۷	-۹۴۴۸	-۶۵۰۴	-۴۲۱۵	۴۹۵۶	۳۳۵۸	۵۳۶۱	-

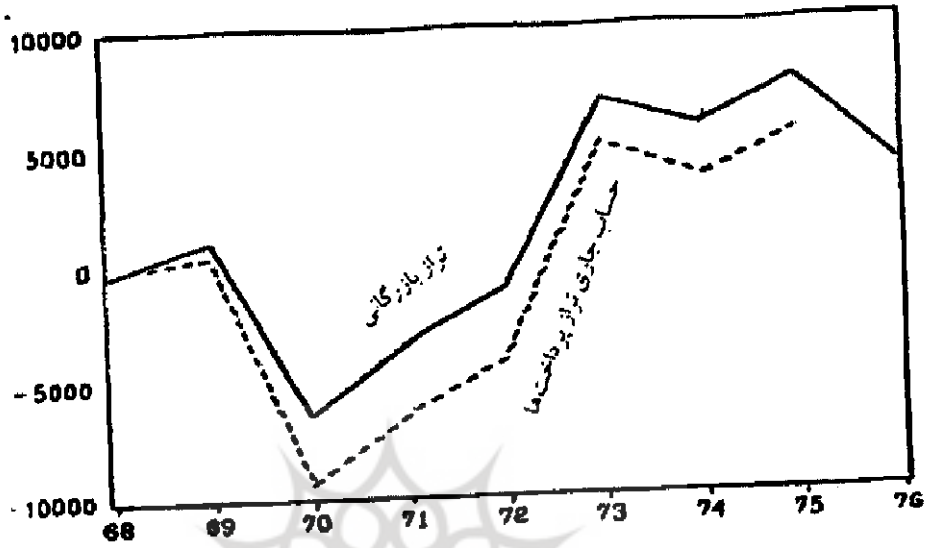
اخذ مالیات نسبت به سال‌های قبل صورت نگرفت، به نظر می‌رسد این افزایش مالیات عمدتاً ناشی از افزایش ضرایب مالیات بر درآمد مشاغل بوده است و از نظر افزایش پایه‌های مالیاتی مناسب یا شناسایی مؤدیان جدید مالیاتی (به خصوص در بخش توزیع) کار جدی صورت نگرفته است. بنابراین افزایش مالیات در چنین شرایطی قطعاً یکی از موانع گسترش فعالیت‌های اقتصادی در سال ۱۳۷۶ بوده است.

عین حال افزایش مالیات‌ها بدون استفاده از پایه‌های مالیاتی مناسب و عدم شناخت شرایط مؤدیان مالیاتی می‌تواند مشکل‌زا باشد و باعث کند شدن فعالیت‌های اقتصادی بشود.

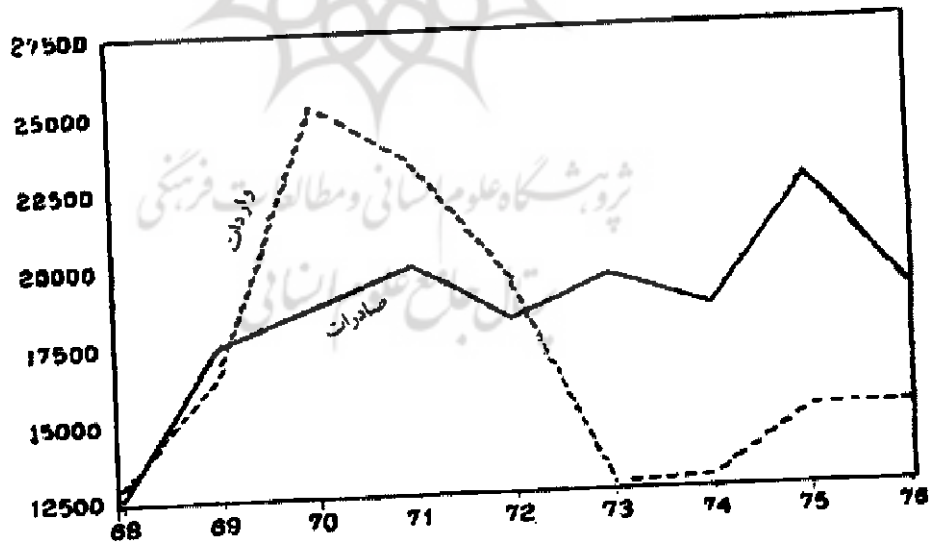
همان‌گونه که در جدول شماره ۲-۴ ملاحظه می‌گردد مالیات‌ها در سال ۱۳۷۶ نسبت به مدت مشابه سال قبل حدوداً ۴۰ درصد رشد نموده است. اما به لحاظ آن که در این سال تحول چشمگیری در سیستم



نمودار ۴- تراز بازرگانی و حساب جاری تراز پرداخت‌ها (۱۳۶۸-۱۳۷۶) (میلیون دلار)



نمودار ۵- صادرات و واردات کالا (۱۳۶۸-۱۳۷۶) - میلیون دلار



پیشرو

۴-۴- موازنه ارزی کشور

بررسی وضعیت اجزای تراز پرداخت‌ها نکات جالبی به همراه دارد و می‌تواند تا حد زیادی در تحلیل فعالیت‌های اقتصادی سال ۱۳۷۶ مفید باشد.

الف - حساب جاری تراز پرداخت‌ها^۱

باتوجه به جدول ونمودار بالا ملاحظه می‌گردد که حساب جاری و تراز بازرگانی در دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۲ دارای کسری بوده است (به غیر از سال ۱۳۶۹) اما از سال ۱۳۷۳ به بعد هر دو دارای مازاد بوده‌اند. علت اصلی چنین خصوصیتی در روند حرکت صادرات و واردات کالا نهفته است. بدین صورت که طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۶ صادرات کالا با اندکافت و خیزی دارای روند افزایشی بوده اما واردات کالا نوسانات شدیدی داشته است.

عملاً می‌توان نتیجه گرفت در بسیاری از سال‌ها تجارت خارجی در جهت تقویت فعالیت‌های اقتصادی قرار نداشته است. به عنوان مثال در دوره ۱۳۷۱-۱۳۷۵ علی‌رغم روند افزایشی صادرات کالا، واردات تقریباً سیر نزولی طی نموده است. یعنی درآمدهای ارزی عمدتاً صرف افزایش ذخایر ارزی و تأمین مایحتاج ضروری جامعه (نظیر خوراک، دارو و...) شده است و تأمین نیازهای ارزی بخش‌های تولیدی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. یعنی درحالی که بسیاری از صنایع با کمبود ارز مواجه بوده‌اند، سعی شده واردات محدود گردد و

ذخایر ارزی افزایش یابند. اتخاذ چنین سیاستی پیامدهایی به دنبال داشته است که بدانها اشاره می‌شود.

رویه دنبال شده در سال‌های اخیر را می‌توان به نوعی مشابه استراتژی جایگزینی واردات دانست. یعنی در مواردی سبب شده واردات کالاهای غیر ضروری کاهش یابد و در نهایت وابستگی کشور به خارج تا اندازه‌ای کمتر شود. نکته دیگر این که طبق آمار منتشره توسط بانک مرکزی در سال ۱۳۷۲ اقتصاد با بیش از ۲۳ میلیارد دلار بدهی خارجی مواجه بود و در صورت عدم بازپرداخت به موقع این بدهی‌ها، کشور از نظر اعتبار جهانی در شرایط نامطلوبی قرار می‌گرفت. بدین لحاظ کاهش واردات و اتخاذ سیاست اخیر تا اندازه‌ای اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر کاهش واردات کالا (بالاخص مواد اولیه، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای) به تدریج و هم‌زمان با تخلیه انبارها فشارهای سنگینی بر بخش‌های

۱. حساب جاری تراز پرداخت‌ها به صورت زیر محاسبه می‌گردد:
حساب جاری = تراز بازرگانی + خالص خدمات + انحرافات.
در حالی که، تراز بازرگانی = صادرات کالا (نفتی و غیر نفتی) - واردات کالا.
۲. سال ۱۳۶۹ مقارن است با حمله عراق به کویت و به دنبال آن جنگ خلیج فارس، این امر سبب گردید بهای نفت با نوساناتی به طور متوسط افزایش یابد. بدین لحاظ دریافتی ارزی حاصل از صادرات نفت نیز از رشد قابل توجهی برخوردار شد (۳۸/۵ درصد نسبت به سال قبل از آن) و به حدود ۱۷ میلیارد دلار نزدیک شد. همین امر باعث گردید در سال ۱۳۶۹ حساب جاری تراز پرداخت‌ها بامازاد همراه باشد.



تولیدی به جای می‌گذارد و آنها را در شرایط نامطلوبی قرار می‌دهد و در نهایت موجب کندشدن فعالیت‌های اقتصادی می‌گردد.

ب- حساب سرمایه
در حساب سرمایه تراز پرداخت‌ها، جریانات ورود و خروج سرمایه مورد نظر است. نگاهی به روند حرکت این متغیر نکات جالبی را روشن می‌سازد.

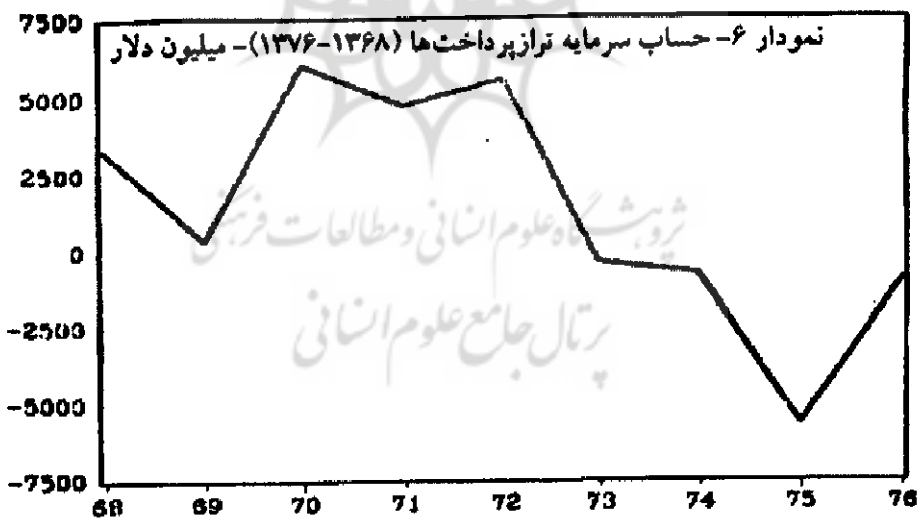
با استفاده از جدول و نمودار زیر ملاحظه می‌گردد، طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۲ حساب سرمایه دارای مازاد بوده، یعنی ورود

گردد. بروز چنین وضعیتی عمدتاً به دلیل بازپرداخت بدهی‌های خارجی است. ولی متأسفانه پیامد آن کندشدن روند حرکت بسیاری از صنایع و در نهایت کل فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد.

۴-۵- نقدینگی بخش خصوصی
مباحث تنریکی اقتصاد گوشزد می‌نمایند

جدول ۴-۴- حساب سرمایه تراز پرداخت‌ها (۱۳۶۸-۱۳۷۶) میلیون دلار

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	سه‌ماهه اول ۱۳۷۵	سه‌ماهه اول ۱۳۷۶
حساب سرمایه	۳۲۶۱	۲۹۵	۶۰۳۲	۲۶۹۹	۵۵۶۳	-۴۲۱	-۷۷۴	-۵۶۷۹	-۱۰۳۸



بحث روز

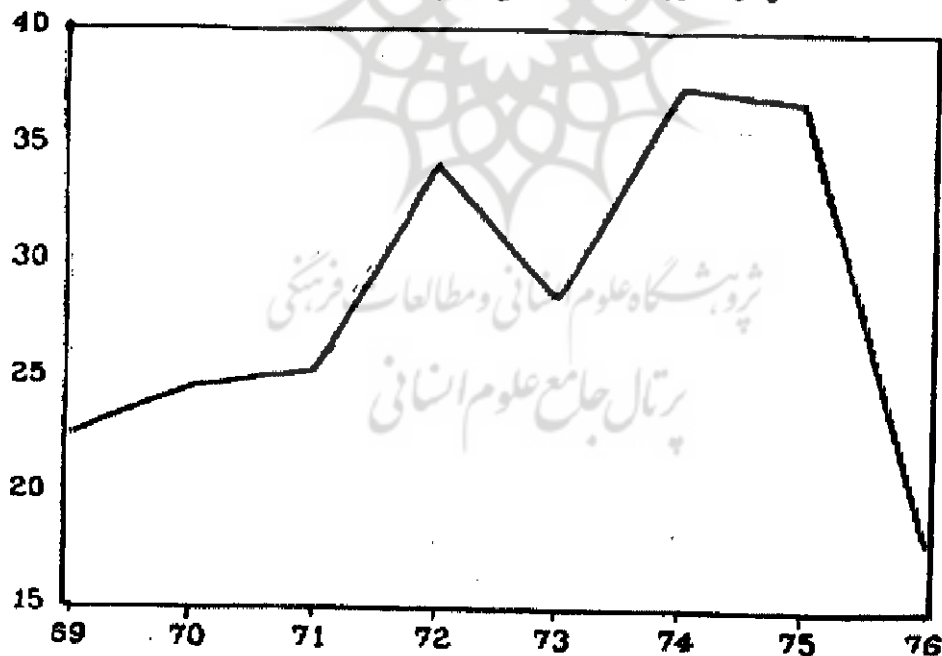
به سمت وضعیت رکودی مؤثر باشد. با ملاحظه آمار مربوط به نقدینگی در سال‌های اخیر، مشخص می‌شود کمترین میزان رشد مربوط به سال ۱۳۷۶ بوده است. کند نمودن رشد نقدینگی اگر چه یکی از ضرورت‌های اقتصاد ایران به حساب می‌آید، لیکن باید توجه داشت کنترل این متغیر با سرعت زیاد باعث بروز مشکلاتی

تغییرات نقدینگی در بروز تورم و رکود اقتصادی بسیار مؤثر هستند. یعنی افزایش بی‌رویه نقدینگی منجر به افزایش تقاضا و در نهایت بالا رفتن سطح قیمت‌ها می‌شود، در طرف مقابل سیاست‌های شدید کنترل پولی باعث کمبود نقدینگی بخش‌های اقتصادی به خصوص بخش‌های تولیدی خواهد شد و می‌تواند در سوق دادن اقتصاد

جدول ۴-۵- حجم نقدینگی بخش خصوصی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)

۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	
۱۳۷۵۳۲	۱۱۶۵۵۳	۸۵۰۷۲	۶۱۸۴۴	۴۸۱۳۵	۳۵۸۶۶	۲۸۶۲۸	۲۲۹۶۹	۱۸۷۵۳	نقدینگی (میلیارد ریال)
۱۸/۰	۳۷/۰	۳۷/۶	۲۸/۵	۳۴/۲	۲۵/۳	۲۲/۶	۲۲/۵	-	رشد نقدینگی (درصد)

نمودار ۷- روند رشد نقدینگی بخش خصوصی (۱۳۶۹-۱۳۷۶)



اقتصاد تلقی می‌شود و بسیاری از تغییرات اقتصاد کشور را می‌توان از طریق نوسانات آن مشاهده نمود. از سوی دیگر تغییرات بازار سهام می‌تواند علت بسیاری از افت و خیزهای اقتصادی باشد. به عبارت دیگر بازار بورس هم تحت تأثیر فعالیت‌های اقتصادی قرار می‌گیرد و هم می‌تواند بسیاری از فعالیت‌های تولیدی را متأثر سازد. شاخص قیمت سهام به عنوان یکی از

برای فعالیت‌های تولیدی خواهد شد و در صورتی که بنگاه‌های اقتصادی به نوعی مورد حمایت قرار نگیرند، ادامه تولید برای برخی از آنها با مشکل همراه خواهد بود. این مسئله می‌تواند برای اقتصاد کشور پیامدهای رکودی به دنبال داشته باشد.

۶-۴- بازار بورس اوراق بهادار

همان گونه که در بخش ۳-۳-۱ اشاره گردید، بازار سهام از یک سو به عنوان آینه

جدول ۶-۴- شاخص قیمت سهام و حجم معاملات در بازار بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۶۸ - ۱۳۷۶)

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
شاخص قیمت سهام (۱۳۶۸=۱۰۰)	۱۰۰	۱۸۹	۴۷۲	۴۳۵	۴۰۳	۶۹۴	۱۵۴۹	۱۹۳۷	۱۶۵۳
حجم معاملات (میلیارد ریال)	۱۱	۶۵	۳۷۸	۳۵۲	۵۱۶	۷۹۳	۱۸۸۱	۴۳۸۱	۲۰۱۸

نمودار ۸- شاخص قیمت سهام در بازار بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۶۸-۱۳۷۶)



بحث روز

خود پرداخت نمایند. این مسئله باعث کاهش منابع و امکانات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها خواهد شد. از سوی دیگر همان‌گونه که اشاره گردید نامطلوب بودن شرایط بازار بورس در نظر مردم، باعث می‌شود شرکت‌ها به سادگی نتوانند از طریق بازار بورس افزایش سرمایه داشته باشند.

در نهایت این دو مسئله سبب می‌گردد، شرکت‌ها با مشکلات و محدودیت نقدینگی مواجه شوند و سطح تولید آنها از حد مطلوب انحراف پیدا کند. این عامل می‌تواند تا حدودی مسبب کندشدن فعالیت‌های اقتصادی در ماه‌های اخیر باشد.

۴-۷- بخش ساختمان

بخش ساختمان طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵ به طور متوسط ۳/۹ درصد از GDP واقعی را به خود اختصاص داده است، ولی علی‌رغم این سهم اندک در GDP واقعی به لحاظ دارا بودن ارتباطات پیشین و پسین^۱ قوی با بسیاری از بخش‌ها می‌تواند نقش مهمی در بروز رونق یا رکود اقتصادی ایفا نماید^۲. این مدعا با استفاده از جدول داده-ستاده مربوط به اقتصاد ایران طی سال‌های مختلف قابل مشاهده است. براساس جدول داده-ستاده،

۱. Forward Linkage and Backward Linkage.

۲. ارتباطات پیشین و پسین نقطه اتصال یک بخش با سایر بخش‌هاست. زمانی که صنعت «الف» برای تولید به (محصولات) صنعت «ب» متکی باشد، گفته می‌شود صنعت «الف» با «ب» ارتباط پیشین دارد. هرگاه محصولات صنعت «الف» به عنوان نهاده در صنعت «ج» مورد استفاده قرار گیرد یا عامل رکود یا رونق صنعت «ج» باشد، در این حالت صنعت «الف» با «ج» دارای ارتباط پسین است.

اساسی‌ترین معیارهای فعالیت بازار بورس اوراق بهادار قلمداد می‌شود. این شاخص در سال ۱۳۶۹ روندی افزایشی داشته و در سال ۱۳۷۰ از رشد چشمگیر ۱۵۰ درصدی برخوردار بوده است. در سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۷۲ به کندی کاهش یافته و در دوره ۱۳۷۳-۱۳۷۵ سیر شدیداً صعودی طی نموده است.

با استفاده از روند حرکت این شاخص در سال‌های اخیر می‌توان به خوبی سیر نزولی فعالیت بازار بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۷۶ را ملاحظه نمود. البته قابل ذکر است که این رکود از سه ماهه چهارم سال ۱۳۷۵ آغاز گردید.

این مطلب که چه عواملی سبب شده‌اند شاخص قیمت سهام در سال ۱۳۷۶ کاهش یابد، در حال حاضر مورد بحث نمی‌باشد، ولی بررسی پیامدهای ناشی از افت شاخص قیمت سهام مفید است.

تنزل قیمت سهام در بدو امر می‌تواند منجر به کاهش حجم مبادلات در بازار بورس بشود و اصولاً شرایط حاکم بر بازار بورس را در نظر خریداران سهام (عمدتاً مردم) که باید تأمین‌کننده اصلی سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس باشند، نامطلوب جلوه می‌دهد. در چنین شرایطی شرکت‌های تولیدی به دو دلیل اساسی برای افزایش سرمایه با مشکل مواجه خواهند شد. نخست آن که به منظور جبران کاهش قیمت سهام، شرکت‌ها ناگزیرند سود سهام به سهامداران



بخش ۳-۲-۲ و در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای مهمی که بخش ساختمان در کل اقتصاد دارا می‌باشد، می‌توان رکود بخش ساختمان را به‌عنوان یکی از علل بروز رکود اقتصادی در سال ۱۳۷۶ تلقی نمود.

۴-۸- اثرات تصویب قانون کار جدید بر اشتغال و تولید

پیدایش و تشکیل شوراهای اسلامی کار با تصویب قانون کار جدید از سال ۱۳۶۹ مهم‌ترین موضوع حقوق کار ایران به حساب می‌آید و به نوعی حمایت از کارگران می‌باشد. از جمله مهم‌ترین وظایف و اختیارات قانونی شوراهای همکاری با مدیریت است که از شفافیت لازم برخوردار نیست، بدین لحاظ اجرای مؤثر آن به روابط شورا و مدیریت و توانایی اعضای شورا بستگی دارد. شورا همچنین وظیفه و اختیار نظارت بر امور واحد اقتصادی به منظور اطلاع یافتن از انجام صحیح کار و ارائه پیشنهادها لازم به مسئولان را دارد که پرچم‌چال‌ترین وظیفه شورا است و ابهام و نارسایی در آن می‌تواند زمینه‌های دخالت شورا در امور واحد و نارضایتی مدیران را فراهم کند.

نقش شورا در جلوگیری از اخراج کارگران بسیار مهم است. این نقش در ماده ۲۷ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار آمده است که به موجب آن:

«در صورتی که شورا با اخراج هر یک از کارکنان مخالف باشد، رأی نهایی را دادگاه صالح خواهد داد».

حکم این ماده با توجه به حاکمیت ماده

بخش ساختمان بالاترین ارزش نهاده‌های واسطه‌ای و گسترده‌ترین و مهم‌ترین ارتباطات بین بخشی را دارا می‌باشد، یعنی اگر بخش ساختمان فعالیت خود را قطع کند، بخش‌های بسیاری دچار رکود می‌شوند و کار بعضی حتی به تعطیلی کامل می‌رسد. اما فعال شدن بخش ساختمان سبب افزایش تقاضا برای اکثر بخش‌ها و در نهایت موجب حرکت و رونق اقتصاد می‌گردد. البته این که چنین وضعی مطلوب یا نامطلوب است در اینجا مورد قضاوت نمی‌باشد. اما واقعیت آن است که در ساختار سه دهه اخیر اقتصاد ایران بخش ساختمان تا حدود زیادی محرک اقتصاد بوده است.

در رابطه با لحاظ نمودن تأثیرات بخش ساختمان بر رکود یا رونق اقتصادی نکته مهم این است که مشخص گردد، چه متغیر یا متغیرهایی نماینده مناسب برای تحلیل فعالیت‌های بخش ساختمان به حساب می‌آیند. تعدادی از متغیرهای مهم که می‌توانند مورد توجه قرار گیرند و در عین حال به صورت سالانه یا بعضاً فصلی نیز آمارگیری می‌شوند، عبارتند از: ارزش افزوده بخش ساختمان، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان‌های جدید مناطق شهری، همچنین پسران‌های ساختمانی صادر شده توسط شهرداری‌ها، ساختمان‌های شروع شده و تکمیل شده توسط بخش خصوصی در مناطق شهری و ساختمان‌های فروش رفته (بر حسب تعداد و زیربنا).

به هر حال با توجه به آمار ارائه شده در

بجستگی

کاهش استخدام نیروی کار جدید و در نتیجه تنزل اشتغال و سطح تولید بالاخص در کارگاه‌های بزرگ صنعتی بوده است. به طوری که آمار و ارقام نشان می‌دهد اشتغال کارکنان کارگاه‌های بزرگ صنعتی پس از سال ۱۳۷۰ افت کرده است (مثلاً کاهش ۴/۸ درصدی سال ۱۳۷۲) به تبع آن شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی که در سال ۱۳۶۹ با ۲۹/۴ درصد رشد بیشترین میزان رشد را طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۷۵ نشان می‌دهد پس از تصویب و به اجرا درآمدن قانون کار جدید کاهش یافته به طوری که در سال ۱۳۷۲ با ۰/۶ درصد رشد کمترین میزان رشد تولید را طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد. بنابراین یکی از عوامل مهم کاهش اشتغال، تسوید و فعالیت کارگاه‌های بزرگ صنعتی را می‌توان به قانون کار جدید نسبت داد.

۳۳ قانون کار سابق مصوب ۱۳۳۷ که اخراج کارگر توسط کارفرما را با شرایط سهلی پیش‌بینی کرده بود، نقطه عطفی در حمایت از کارگران در مقابل کارفرمایان به شمار می‌آید.

به همین دلیل نگرش و طرز تلقی مدیران و کارفرمایان نسبت به شوراهای اسلامی کار این است که آنها را مزاحم کار خود می‌دانند، چون نه تنها بر اداره امور کارگاه نظارت دارند بلکه در جلوگیری از اخراج کارگران نیز مؤثرند. اختلاف سلیقه و نحوه برخورد مدیریت با شورا و چگونگی روابط آنها، عملکردهای متفاوتی از شورای اسلامی کار به جامی گذارد و چه بسا به دلیل پایین بودن اطلاعات شورا در زمینه‌های تولیدی و مدیریتی باعث افزایش هزینه تولید و کاهش کارایی واحدهای تولیدی بشود. از دیگر اثرات منفی این قانون کار،

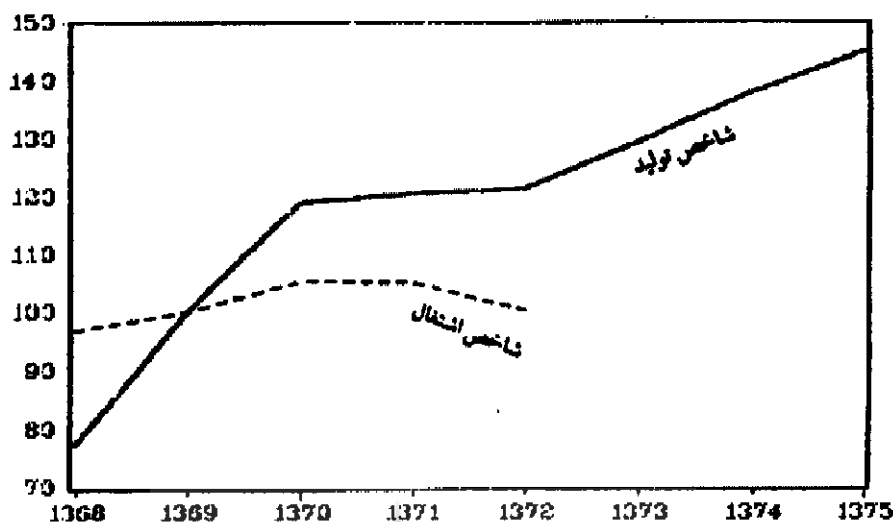
جدول ۴-۷- شاخص اشتغال و تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی

(۱۳۶۸-۱۳۷۵) ۱۰۰=۱۳۶۹

سال		۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
اشتغال و تولید									
اشتغال	شاخص اشتغال ۶۹=۱۰۰	۹۶/۹	۱۰۰	۱۰۵/۳	۱۰۵/۱	۱۰۰/۱	-	-	-
	نرخ رشد	۰/۱	۳/۲	۵/۳	-۰/۲	-۴/۸	-	-	-
تولید	شاخص تولید ۶۹=۱۰۰	۷۷/۳	۱۰۰	۱۱۹	۱۲۰/۶	۱۲۱/۳	۱۲۹/۴	۱۳۸/۱	۱۴۵/۱
	نرخ رشد	-	۲۹/۴	۱۹	۱/۳	۰/۶	۶/۷	۶/۷	۵/۱

* شاخص اشتغال برای سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۷۵ موجود نبوده است.

نمودار ۹- شاخص اشتغال و تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی (۱۳۶۸-۱۳۷۵): ۱۰۰-۱۳۶۹



نمودهای عینی آن در عملکرد بسیاری از نهادهای اقتصادی قابل مشاهده است.

در اواخر سال ۱۳۷۵ بحث پایان یافتن دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و ابقا یا کنار رفتن ایشان مطرح بود. پس از مدتی و با مشخص شدن عدم تغییر قانون اساسی، این سؤال بر اذهان مردم حاکم گردید که رئیس جمهور آینده کیست و چه تفکرات و سیاست‌هایی در زمینه‌های مختلف از جمله مسائل اقتصادی اتخاذ می‌نماید.

به دنبال برگزیده شدن آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهور سؤالاتی نظیر ترکیب کابینه، جهت حرکت اقتصاد به سمت اقتصاد مبتنی بر بازار یا برنامه‌ریزی متمرکز، رابطه ایران با امریکا و ... مطرح گردید. این قبیل سؤالات و ابهامات سبب شد عواملان اقتصادی در شرایط برزخ قرار گیرند و

هر چند درآمدهای حاصل از صادرات نفت و اثر آن بر واردات نیز به فعالیت کارگاه‌های بزرگ صنعتی همچون سایر زیربخش‌های صنعت مؤثر بوده است. (از جمله در سال ۱۳۶۹) لیکن در سال ۱۳۷۵ علی‌رغم افزایش ۲۷ درصدی درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت نرخ رشد شاخص کارگاه‌های بزرگ صنعتی در همان حد سال ۱۳۷۳ یعنی ۶/۷ درصد باقی مانده است.

۴-۹- رویدادهای سیاسی

از دیگر عواملی که در چند ماه اخیر اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داد، رخدادهای سیاسی حاکم بر کشور بود. مهم‌ترین این جریانات را می‌توان به انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ماه سال ۱۳۷۶ نسبت داد. در رابطه با این مسئله اگرچه نمی‌توان به آمار و ارقام مشخصی دست یافت، اما

مختصر

جهت‌گیری آتی آنها به دو گروه تقسیم می‌شوند.

گروه اول: متغیرهایی که روند حرکت آنها چشم‌انداز نامناسبی برای اقتصاد ایران ترسیم می‌نمایند و منجر به تعمیق رکود فعلی خواهند شد.

گروه دوم: متغیرهایی که جهت‌گیری آنها در بهبود شرایط اقتصادی و رفع رکود فعلی مؤثر هستند.

البته قابل ذکر است تقسیم‌بندی تعدادی از متغیرهای تأثیرگذار بر شرایط آتی اقتصاد در قالب این دو گروه تا حدودی به بدبینانه یا خوش‌بینانه بودن دیدگاه‌ها نیز بستگی دارد.

۵-۱- متغیرهای نامطلوب (تهدیدها)

در این بخش متغیرهایی که به نظر می‌رسد جهت‌گیری آتی آنها باعث تعمیق شرایط رکود فعلی خواهد شد مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۵-۱-۱- بازار جهانی نفت: متوسط قیمت هر بشکه نفت خام صادراتی ایران در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ به ترتیب ۱۹ و ۱۵/۸ دلار بود. قابل ذکر آن که دلیل اصلی کاهش متوسط بهای نفت صادراتی در سال قبل ناشی از وضعیت نامطلوب بازار جهانی نفت در اواخر سال ۱۳۷۶ بود.^۱ متأسفانه این شرایط نامطلوب در سه ماهه اول سال جاری نیز ادامه یافته است. در صورت

فعالیت‌های معمول ایشان دچار وقفه و سکون شود. در چنین شرایطی سرمایه‌گذاران، صادرکنندگان، واردکنندگان و... تصمیمات اقتصادی بلند مدت اتخاذ نمی‌نمایند و اقتصاد از روند عادی و معمول خود فاصله می‌گیرد.

۵- چشم‌انداز آینده اقتصاد ایران

با ارائه تصویری از اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۶ و سپس بررسی دقیق‌تر برخی از متغیرهای اقتصادی سال ۱۳۷۶ مشخص گردید، بسیاری از ویژگی‌های رکود در اقتصاد ایران مشهود می‌باشد.

در بخش‌های قبلی اشاره شد رکود اقتصادی زمانی خطرناک است که به بحران منتهی شود و اصولاً رکودهای گذرا خیلی مشکل‌زا نخواهند بود. با عنایت به همین نکته تلاش شده در این بخش چشم‌اندازی از آینده اقتصاد ترسیم گردد و بررسی شود روند حرکت اقتصاد چگونه خواهد بود. اهمیت موضوع در این نکته نهفته است که چنانچه مشخص شود اقتصاد به سوی بحران و تعمیق رکود سوق می‌یابد، سریعاً باید سیاست‌های مناسب اقتصادی در جهت مقابله با آن اتخاذ گردد، چراکه تعلل در این امر ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکره اقتصاد وارد خواهد ساخت.

جهت دستیابی به این مهم متغیرهای تأثیرگذار بر شرایط آینده اقتصاد از لحاظ

۱. متوسط قیمت هر بشکه نفت خام صادراتی ایران در ۹ ماهه اول سال ۱۳۷۶ حدود ۱۷/۲ دلار بود.



است. میزان کسری بودجه اعلام شده سال ۱۳۷۶ حدوداً ۷۰۰۰ میلیارد ریال بود. در سال جاری نیز دولت قطعاً با کسری بودجه هنگفتی روبه‌رو خواهد بود؛ تأمین مالی چنین کسری بودجه عظیمی، تبعات تورمی شدیدی خواهد داشت، از سوی دیگر کاهش مخارج عمرانی شرایط رکودی را تعمیق می‌نماید. به هر حال عملکرد بودجه سال ۱۳۷۷ شرایط تورم رکودی (Stagflation) سال گذشته را تشدید می‌نماید.

۱-۵-۳- سرمایه‌گذاری بخش خصوصی: اصولاً سرمایه‌گذاری یکی از ارکان اساسی حصول رشد اقتصادی در آینده به حساب می‌آید. متأسفانه این متغیر در سال ۱۳۷۷ چشم‌انداز مطلوبی ندارد، زیرا علاوه بر کاهش سهم بودجه‌های عمرانی در بودجه عمومی کشور، همچنین به دلیل بروز کسری بودجه، دولت تصمیم گرفته است حدود ۲۲ درصد از حجم مخارج عمرانی (و ۸ درصد از مخارج جاری) خود بکاهد.

حال با توجه به این که در اقتصاد ایران بین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و مخارج عمرانی تقریباً رابطه‌ای همسو وجود دارد، صرفه‌جویی دولت در این زمینه می‌تواند اثرات منفی بر سرمایه‌گذاری به جای گذارد. از سوی دیگر گفته می‌شود، بخش خصوصی هنگام سرمایه‌گذاری شرایط آتی اقتصاد را در نظر می‌گیرد؛ اگر چه این صحبت کاملاً منطقی است، ولی تجربه ثابت کرده سرمایه‌گذاران در کشور ما عمدتاً شرایط زمان حاضر را بیش از آینده

تداوم این شرایط قطعاً متوسط قیمت هر بشکه نفت خام صادراتی ایران کمتر از ۱۲ دلار خواهد بود.

عواملی نظیر احتمال افزایش صادرات نفت خام توسط عراق، احتمال ضعیف کاهش قابل قبول تولید نفت توسط کشورهای عضو اوپک و غیرعضو، افزایش احتمال تخلف کشورهای عضو اوپک از سهمیه‌های تعیین شده به دلیل کاهش درآمدهای نفتی، تداوم شرایط رکودی در برخی از اقتصادهای شرق آسیا و... همگی چشم‌انداز نامطلوبی برای قیمت جهانی نفت ترسیم می‌نمایند و به نظر نمی‌رسد، شانس برای افزایش قیمت جهانی نفت، لااقل در کوتاه مدت وجود داشته باشد. از سوی دیگر افزایش حدوداً ۷ درصدی مصرف سالانه انرژی در داخل کشور و به تبع آن کاهش سهم صادرات نفت، مزید بر علت است و باعث تقلیل درآمدهای ارزی و ریالی حاصل از نفت خواهد شد.

۱-۵-۲- وضعیت بودجه: شرایطی که سال گذشته بر بودجه عمومی کشور حاکم بود، در سال ۱۳۷۷ نیز بودجه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مهم‌تر از همه تحقق نیافتن بخشی از درآمدهای مصوب قانون بودجه که عمدتاً ناشی از کاهش قیمت نفت و به تبع آن نقصان درآمدهای نفتی است، اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

دولت به منظور مقابله با این شرایط، کاهش هزینه‌های عمرانی و در مواردی تقلیل هزینه‌های جاری را در دستور کار قرار داده، لیکن بروز کسری بودجه گریزناپذیر

پنجشنبه

ندارد و بعضاً قیمت سهام به صورت کاملاً غیر علمی و نامناسب تعیین می‌گردد. شاهد این مدعا تغییرات شاخص قیمت سهام در حد فاصل سال‌های ۱۳۷۴ الی ۱۳۷۶ است. در سال ۱۳۷۴ شاخص قیمت سهام ۱۲۳ درصد رشد نمود (چنین رشدی در عرض یک سال به هیچ عنوان منطقی نیست) و سپس در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ به ترتیب ۲۵ درصد رشد و ۱۴/۷ درصد نزول نمود. اگر چه بخشی از این تغییرات ناشی از شرایط اقتصادی حاکم بر کشور می‌باشد، اما قسمت عمده آن به دلیل قانونمند نبودن این بازار و عدم وجود مکانیزم‌های مناسب قیمت‌گذاری است. به هر حال چنین تغییرات بدون منطقی، از دید بخش خصوصی بسیار نامطلوب تلقی می‌شود و انگیزه سرمایه‌گذاری را در این بازار از بین می‌برد. چرا که بخش خصوصی احساس می‌کند سرمایه‌گذاری در این بازار ریسک بسیار بالایی دارد و بازدهی حاصل از این سرمایه‌گذاری کاملاً مبهم است.

عامل دیگری که سبب رکود این بازار شده است تصمیمات دولت در رابطه با تأمین مالی کسری بودجه می‌باشد. مثلاً بنا به گفته مسئولان اقتصادی کشور، دولت در اواخر سال گذشته برای تأمین مالی بخشی از کسری بودجه به فروش ارز مبادرت ورزید. بنا به اظهارات غیررسمی، بخش عمده‌ای از این ارز به تعدادی از تولیدکنندگان بزرگ (نظیر شرکت ایران

مدنظر قرار می‌دهند (شاید به دلیل عدم توانایی پیش‌بینی آینده اقتصاد). پس با توجه به وضعیت رکودی موجود، نمی‌توان از بخش خصوصی انتظار افزایش سرمایه‌گذاری داشت.

وضعیت بحرانی سرمایه‌گذاری در ایران را با استفاده از یک مقایسه ساده با وضوح بیشتری می‌توان روشن نمود. طی دوره ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۵ نسبت سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص به کل هزینه‌های ناخالص داخلی حدوداً ۱۶ درصد بوده است. حال اگر فرض کنیم همین نسبت برای سال ۱۳۷۶ نیز وجود داشته است و نسبت سرمایه به تولید نیز در خوش‌بینانه‌ترین حالت عدد ۵ فرض شود، در نتیجه نرخ رشد اقتصادی در چند سال آینده حدود ۳ درصد خواهد بود (۱۶×۳/۲). این مسئله پیام ناخوشایندی برای اقتصاد محسوب می‌شود، به علاوه اگر استهلاک شدید سرمایه در بخش‌های تولیدی نیز در محاسبات لحاظ شوند، نتایج تکان‌دهنده‌تر خواهند بود.

۱-۴-۵- بازار بورس اوراق بهادار: به منظور مشخص شدن چشم‌انداز بازار بورس اوراق بهادار بی‌مناسبت نیست عواملی که سبب دلزدگی بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری در این بازار شده است مورد توجه قرار گیرند. به تعبیر دیگر، عوامل ایجادکننده رکود در این بازار بررسی شوند.

عامل اول این است که در این بازار کنترل مطلوبی بر معاملات انجام شده وجود

خودرو) فروخته شد. این شرکت‌ها نیز قاعدتاً برای تأمین وجوه مالی (ریالی) مورد نیاز اقدام به پیش فروش محصولات خود می‌نمایند. البته برای جذب خریداران سودهای بالا و تخفیف‌های ویژه‌ای در نظر می‌گیرند. بخش خصوصی با ملاحظه این شرایط ظاهراً مطلوب، نسبت به سرمایه‌گذاری در این شقوق علاقه‌مند می‌شود و وجوهی که قاعدتاً باید وارد بازار بورس اوراق بهادار شود، به سمت این شرکت‌ها جریان پیدا می‌کند. این شیوه عملکرد اگرچه می‌تواند در تعداد محدودی از شرکت‌های بزرگ رونق ایجاد کند، ولی در نهایت چون باعث ایجاد یک شق سرمایه‌گذاری در مقابل بازار بورس شده است، ضربات جبران‌ناپذیری بر بازار (جوان) بورس اوراق بهادار کشور وارد می‌سازد.

متأسفانه سیاست پیش‌فروش محصولات، اخیراً در بسیاری از شرکت‌های تولیدی رایج شده است و حتی دولت نیز برای کنترل نقدینگی بعضاً تشویق‌کننده این سیاست است. نتیجه کار آن است که سرمایه‌گذار به جای خرید سهام یک شرکت معین محصول آینده آن را خریداری می‌کند. تعقیب این سیاست در آینده رکود حاکم بر بازار بورس اوراق بهادار را تشدید می‌نماید و بنابراین چشم‌انداز مطلوبی برای این بازار نمی‌توان متصور بود.

۵-۱-۵- بازپرداخت بدهی‌های خارجی: بار بدهی‌های خارجی ناشی از اجرای سیاست‌های به ظاهر تعدیل در سال‌های پس از ۱۳۶۸ همچنان بر دوش کشور سنگینی می‌کند، اگر در سه سال اخیر با

اعمال سیاست‌های کنترلی شدید در عرصه واردات و صادرات تلاش گردید بازپرداخت بدهی‌های خارجی کشور سامان گیرد و در موعد مقرر پرداخت شود، اما با این حال بنا به استناد آمارهای بانک مرکزی در اواخر سال ۱۳۷۶ اصل بدهی‌های خارجی کشور شامل بدهی‌های کوتاه‌مدت (خرید نسبی یا پوزانس که حداکثر دو سال بعد سررسید می‌شود) و بدهی بلندمدت، بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار می‌شود که با احتساب بهره‌های متعلقه و بدهی‌های احتمالی (اعتبارات گشایش شده برای واردات که هنوز کالای آن حمل نشده است) مجموع اصل و بهره تعهدات خارجی در زمان مذکور بالغ بر ۲۸ میلیارد دلار بوده است. اگر رقم ذخیره ارزی موجود کشور که طبق آمار بانک تسویه بین‌المللی بالغ بر ۱۱/۵ میلیارد دلار بوده از رقم بدهی کسر نماییم، در آن صورت در اواخر سال گذشته حدوداً ۱۶/۵ میلیارد دلار بدهی وجود داشته است که بازپرداخت آن در سال‌های آینده با توجه به کاهش قیمت نفت شاید دشوار به نظر برسد.

۵-۱-۶- سایر متغیرها: در بخش ۴ عواملی که باعث ایجاد رکود اقتصادی در سال ۱۳۷۶ شده‌اند مورد بررسی قرار گرفتند. پیش‌بینی می‌شود روند حرکت این متغیرها در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال قبل از آن تغییر محسوسی نداشته باشد.

به عنوان مثال موازنه ارزی کشور به شدت تحت تأثیر درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت قرار دارد که در بخش

مبحث روز

صادرات نفت است، به گونه‌ای که در دوره ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۶ به طور متوسط ۸۵/۵ درصد از ارزش دریافتی‌های ارزی کشور ناشی از صدور نفت و گاز بوده است. حال اگر ترکیب صادرات غیر نفتی به کشورهای مختلف نیز مورد توجه قرار گیرد، ملاحظه می‌شود طی این دوره بیش از ۹۰ درصد دریافتی‌های ارزی کشور به صورت دلاری بوده است. از سوی دیگر چنانچه ترکیب واردات کالاها و خدمات از کشورهای دیگر مورد عنایت قرار گیرد، مشخص می‌شود قسمت عمده پرداخت‌های ارزی کشور غیر دلاری است و بیش از ۷۰ درصد آن با استفاده از ۵ پول معتبر یعنی مارک آلمان، ین ژاپن، پوند انگلستان، فرانک فرانسه و لیر ایتالیا صورت گرفته است (به طور خلاصه می‌توان گفت: در سال‌های اخیر بیش از ۹۰ درصد دریافتی‌های ارزی کشور دلاری و بیش از ۷۰ درصد پرداختی‌های ارزی به صورت غیر دلاری بوده است).

۵-۱-۱، وضعیت آتی آن مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر آن صادرات غیر نفتی، واردات کالاها و خدمات و ورود و خروج سرمایه نیز موازنه ارزی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، که پیش‌بینی می‌شود این متغیرها در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال قبل از آن تغییر محسوسی نداشته باشد. بنابراین به احتمال زیاد روند رو به افول موازنه ارزی کشور در سال ۱۳۷۷ نیز تداوم می‌یابد.

همچنین اثرات نامطلوب ناشی از قانون کار موجود، رکود فعالیت‌های تولیدی و ساختمانی و... احتمالاً در سال ۱۳۷۷ نیز تداوم خواهند یافت.

۵-۲- متغیرهای مطلوب (فرصت‌ها)

در این بخش متغیرهایی که جهت‌گیری آنها در بهبود شرایط رکود فعلی مؤثر هستند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۵-۲-۱- نرخ مبادله دلار در مقابل ارزهای معتبر: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصاد ایران وابستگی شدید آن به درآمد حاصل از

جدول ۵-۱- نرخ مبادله دلار آمریکا در مقابل چند پول معتبر

واحد پول	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	پنج ماهه اول ۱۹۹۸
مارک	۱/۷۳	۱/۴۷	۱/۵۰	۱/۵۶	۱/۴۴	۱/۵۰	۱/۵۷	۱/۸
ین	۱۳۷	۱۲۸	۱۰۵	۱۰۰	۹۳	۱۰۸	۱۱۶	۱۴۰
پوند	۰/۵۵	۰/۵۲	۰/۵۴	۰/۵۹	۰/۶۴	۰/۶۳	۰/۵۹	۰/۶۱
فرانک فرانسه	۵/۹۰	۵/۰	۵/۱	۵/۳۵	۵/۰	۵/۱۰	۵/۴	۶/۰
لیر ایتالیا	۱۳۰۰	۱۱۱۳	۱۳۵۰	۱۵۶۰	۱۵۷۰	۱۵۵۰	۱۵۴۰	۱۷۷۰

در چنین شرایطی نرخ مبادله دلار در مقابل پنج پول اشاره شده به منظور محاسبه قدرت خرید واقعی دریافتی‌های ارزی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند که در اکثر تحلیل‌های اقتصادی (در مورد محاسبه قدرت خرید صادرات کشور) نادیده گرفته شده است.

ملاحظه تغییرات نرخ مبادله دلار آمریکا در مقابل پنج پول معتبری که در پرداخت‌های خارجی ایران بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد، نشان می‌دهد دلار آمریکا در شرایط فعلی نسبت به دوره هشت‌ساله گذشته از لحاظ ارزش در بالاترین سطح قرار گرفته است (به استثنای رابطه دلار و پوند). روند تفویت دلار در مقابل سایر ارزها تقریباً از سال ۱۹۹۵ آغاز گردید و طی ۳ سال دلار نسبت به مارک، ین، فرانک و لیر ایتالیا به ترتیب ۲۵، ۵۰، ۲۰ و ۱۳ درصد تفویت شده است. به عبارتی قدرت خرید دلار افزایش یافته است. وضعیت فعلی نرخ مبادله دلار در مقابل پول‌های اشاره شده برای اقتصاد ایران با توجه به نوع دریافتی‌ها و پرداخت‌های ارزی بسیار مطلوب است و می‌تواند بخشی از کاهش قیمت نفت را جبران کند.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که شرایط فعلی تبادل دلار آمریکا در مقابل این پول‌ها برای چه مدت زمانی می‌تواند دوام داشته باشد؟ با توجه به این که اقتصاد آمریکا در حال حاضر در دوره رونق به سر می‌برد و اقتصادهای ژاپن و آلمان در شرایط تقریباً رکودی قرار دارند، به احتمال زیاد تا یک سال آینده این شرایط با اندک تغییراتی

تداوم خواهد داشت.

۲-۲-۵- سرمایه‌گذاری خارجی: در بخش‌های گذشته اشاره گردید که یکی از معضلات اساسی اقتصاد ایران پایین بودن سطح سرمایه‌گذاری است. یکی از راه‌های کم‌رنگ نمودن موقت این معضل استفاده از سرمایه‌گذاری کشورهای خارجی در کشورمان می‌باشد. البته این مسئله ظرافت زیادی دارد و باید مطالعات دقیقی در مورد انتخاب بهترین گزینه صورت گیرد، چراکه بی‌توجهی در این باره می‌تواند زمینه‌ساز مجددی برای بحران بدهی‌های خارجی باشد.

خوشبختانه در چندماهه اخیر به خصوص پس از برگزاری اجلاس سران کشورهای اسلامی، شکست تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران، بازگشت سفرای کشورهای اروپایی به ایران پس از یک دوره تیرگی روابط، بازپرداخت بدهی‌های خارجی طبق قراردادهای موجود و... سبب شده کشور ایران از لحاظ وجهه بین‌المللی در شرایط مطلوبی قرار گیرد و وضعیت مساعدی برای جذب سرمایه‌های خارجی فراهم شده است. در همین راستا پیشنهادهای متعددی از سوی بسیاری از کشورها برای سرمایه‌گذاری در ایران مطرح گردیده است. در صورت وجود بصیرت کامل می‌توان از این شرایط مطلوب به نحو احسن برای تضعیف شرایط رکود اقتصادی سود جست (البته نه در کوتاه‌مدت)؛ در عین حال مجدداً گوشزد می‌شود که استفاده نابه‌جا از این موقعیت هزینه سنگینی بر اقتصاد تحمیل خواهد نمود.

بحث و روش

جدول ۶-۱- علل اساسی بروز رکود اقتصادی در سال ۱۳۷۶

متغیرهای غیراقتصادی	متغیرهای اقتصادی
۱- رویدادهای سیاسی ۲- اثرات قانون کار موجود	۱- کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت ۲- سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ۳- وضعیت بودجه ۴- موازنه ارزی کشور ۵- نقدینگی بخش خصوصی ۶- بازار بورس اوراق بهادار ۷- بخش ساختمان

ریشه‌یابی رکود، متغیرهایی که به نظر می‌رسید در بروز رکود اقتصادی سال ۱۳۷۶ نقش اساسی را ایفا کرده‌اند در دو گروه متغیرهای اقتصادی و غیراقتصادی دسته‌بندی شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند. در بخش پایانی تهدیدها و فرصت‌هایی که در حال حاضر پیش روی اقتصاد ایران قرار گرفته است و نشان داده شده است که ادامه روند کنونی چشم‌انداز آینده را تیره و تاریک نشان می‌دهد. در صورتی که اقدامات جدی و عاجل نسبت به برون رفت از رکود و استفاده از فرصت‌ها و غلبه بر تنش‌های سیاسی موجود صورت نپذیرد، بی‌تردید رکود فعلی به بحرانی مهارنشده تبدیل خواهد شد. تجربه نشان داده که دامنه این بحران‌ها در محدوده اقتصاد باقی نمانده و تا تمامیت یک کشور را در تیررس خطر قرار می‌دهد. با عنایت به جدول ۶-۲ ملاحظه می‌گردد اقتصاد ایران در حال حاضر در شرایط بسیار حساسی قرار گرفته است و تصمیمات اقتصادی می‌باید به گونه‌ای کاملاً

۶- جمع‌بندی و نتیجه

در آخرین بخش از گزارش حاضر شایسته است جمع‌بندی مختصری از مطالب ارائه گردد تا بر مبنای آن بتوان به نتیجه‌گیری دست یافت.

روند ارائه مطالب گزارش بدین صورت بود که در ابتدا ادوار تجاری از لحاظ تنوعی مورد بررسی قرار گرفتند، پس از آن مصداق عینی ادوار تجاری در اقتصاد ایران تحلیل شد. در قدم‌های بعدی تصویری مجزا از طرف‌های عرضه و تقاضا در اقتصاد ارائه گردید، همچنین شاخص‌هایی که می‌توانند مصداقی از بروز رکود یا رونق اقتصادی باشند معرفی شدند و با عنایت به شکل‌گیری این شاخص‌ها روشن گردید اقتصاد ایران در سال ۱۳۷۶ در شرایط رکودی قرار گرفته است.

در دو بخش انتهایی که ارائه‌دهنده پیام اصلی گزارش نیز می‌باشد علل اصلی بروز رکود اقتصادی و چشم‌انداز آینده اقتصاد تحلیل گردید. در بخش بررسی علل و



جدول ۶-۲- متغیرهای تأثیرگذار بر شرایط آتی اقتصاد

فرصت‌ها (متغیرهای مطلوب)	تهدیدها (متغیرهای نامطلوب)
۱- نرخ مبادله دلار با ارزهای معتبر	۱- بازار جهانی نفت
۲- سرمایه‌گذاری خارجی	۲- وضعیت بودجه
	۳- سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
	۴- بازار بورس اوراق بهادار
	۵- بازپرداخت بدهی‌های خارجی
	۶- سایر متغیرها

۸- سازمان برنامه و بودجه، «مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی تا سال ۱۳۷۵»، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی دفتر اقتصاد کلان، تیر ۱۳۷۶.

۹- فرهنگ، منوچهر، فرهنگ علوم اقتصادی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات آزاد، ۱۳۶۳.

۱۰- تأملی درباره شورای اسلامی کار، ماهنامه حقوق و اجتماع، شماره اول، اردیبهشت ۱۳۷۶، ص ۳۹-۴۴.

۱۱- مینکو، کریگوری، اقتصاد کلان، ترجمه: حمیدرضا برادران شرکاء، علی پارسائیان- جلد اول، تهران، ۱۳۷۵.

۱۲- نیک پوره، مرجانه، «بررسی پدیده رکود تورمی و عوامل ایجاد آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد، ۱۳۷۵.

13- Eatwell, John and Milgate Marray, *The New Palgrave a Dictionary of Economics*, The MacMillan Press Limited, 1987.

14- Galbraith, J.K, *The Great Crash 1929*, London, Penguin Books, 1975.

15- KALRA, K.B, *Dictionary of Economics*, 1991.

16- MOFFAT, W. Donald, *Economic Dictionary*, 1983.

17- Pearce, David, W, *MacMillan Dictionary of Modern Economics*, The MacMillan Press Limited, 1986.

18- Samuelson, P.A and Nordhous, W.D, *Economics*, Thirteenth Edition, Singapore, McGraw- Hill, 1989.

سنجیده و منطقی اتخاذ گردد، در غیر این صورت اقتصاد ایران در دام یک بحران شدید قرار می‌گیرد و این شرایط لطمات بسیار سنگینی در پی خواهد داشت.

منابع و مأخذ

۱- الخوی، احمد، «اقتصاد کلان کاره»، برای مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۷۱.

۲- اطهاری، کمال، «اقتصاد ایران: گریز از ننگ‌نامه»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۳۲، سال ۱۳۶۸، ص ۳۸-۴۱.

۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سرازنامه بانک مرکزی، دایره حساب‌های اقتصادی، تهران، سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۴.

۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مجله بانک مرکزی، دایره حساب‌های اقتصادی، سال سی و پنجم، شماره‌های ۲۲۹ و ۲۵۰، سه ماهه اول و دوم ۱۳۷۵.

۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی، نماگرهای اقتصادی، دایره حساب‌های اقتصادی.

۶- سازمان برنامه و بودجه، بحران‌های مالی در کشورهای در حال توسعه و ضعف ساختاری نظام مالی، مرداد ۱۳۷۱.

۷- سازمان برنامه و بودجه، برنامه تعدیل اقتصادی از دیدگاه بانک جهانی، ۱۳۷۱.